



ماهنامه
فرهنگی سیاسی اجتماعی

میچا

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir

سال چهارم - مرداد ۱۳۹۵ - شماره ۳۹

حقوق نجومی بشر

نفوذ دولتی؛ دولت نفوذی!

FDA؛ استاندارد سود و مرگ

سردار سامرا

مصاحبه با خانم تسلیمی (دکتری مدیریت آموزشی)

صدای «امن یجیب» می آید
نه از جمع کوچک خانه‌ای، هیئتی یا مسجدی
گستره «المضطر اذا دعا»، جهان را در بر گرفته است
بشر از خویشن می‌نالد و روحی که به شیطان فروخت
تا هر روز خون او را بر زمین بریزد
و جسمی را پاره پاره و روحی را لگدکوب کند
این روزها بشریت بر دروازه ظهور
مستاصل و ویران نشسته و چشم‌های مضطربش، پناهی امن را می‌جوید
کجاست آنکه دست نوازش بکشد
بر سر این خلقت پریشان شده؟
کجاست آن وجود لطیفی که ریشه‌های امید را در آفاق و انفس وجود انسان برویاند
و طوفان قهرش بنیادهای ظلمت و تباهی را نابود کند؟
نگاه جهانی زخم‌خورده، منتظر نزول فرشتگان رحمت است
و حاملان «و یکشف السوء»
خدا کند که بیایی ...

برای حضرت باری



ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی میعاد

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

مرداد ۱۳۹۵ - شماره ۳۹

فهرست

- کلام نور ۴
- نفوذ اقتصادی در اولین دولت بعد از خمینی ۵
- عربستان و اسرائیل ۶
- اینفوگرافیک ۷
- این نهضت ضدآمریکایی ۸
- FDA؛ استاندارد سود و مرگ ۱۰
- نگارستان ۱۱
- کشف حجاب ۱۲
- گزارش تصویری ۱۳
- حقوق نجومی بشر ۱۴
- وصیتنامه ۱۶
- خاکیان افلاکی ۱۷
- نفوذ دولتی؛ دولت نفوذی! ۱۸
- سردار سامرا ۲۰
- کلیپ ۲۲
- طنز ۲۳
- حج؛ سیاست اسلامی ۲۴
- احکام ۲۶
- ایمان عقلاء (نانوشته) ۲۶
- مصاحبه ۲۷
- شعر ۳۰
- برگی از بهشت (شکستن نفسانیت‌ها) ۳۱

سردبیر:

[Baran](#)

نویسندگان:

نبی‌زاده - [Ayaran313](#) - [Matinemami](#)

محمد برم مشکینی - [Sobhanshahidi](#) - [Salam110](#)

طراح و صفحه‌آرا:

[س.م.حسینی](#)

سایر همکاران:

[Iighalameshghii](#) - [Gharib12](#) - [Parasto](#)

[Mamitavanim92](#) - [Zaerolhoseine](#)

طراح جلد:

[س.م.حسینی](#)

کانال ماهنامه در تلگرام:

[@miaad_ir](#)

رایانامه:

nashrie_afsan@mailanmail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود.

مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.

نشریه «میعاد»، وعده‌گاه سربازان متعهد و دلسوز جبهه جنگ نرم است و خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می‌داند. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیان‌گذار کبیر انقلاب ^(ع) و رهبر معظم خود ^(حفظه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می‌کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی‌بدیل پیش می‌برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی‌توجهی به هریک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده مطلوب است. این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همسرایی و همگرایی مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق‌تر...





دائماً مشغول افترا زدن به جمهوری اسلامی. دائماً راجع به این که در جمهوری اسلامی حقوق بشر دارد از بین می رود و جاهای دیگر نه! حقوق بشر سر جای خودش هست. آمریکا سر جای خودش هست و رؤسای استکبار حفظ می کنند حقوق بشر را! فقط در ایران است که حقوق بشر از بین می رود! این برای این است که مضطربند اینها. از اسلام اضطراب دارند، از این که اسلام پیشبرد نکند، اینها می ترسند. از این جهت این طور می گویند و این موجب تقویت شما بشود. هرچه آنها در بوق هایشان بر ضد شما صحبت کنند، دلیل بر قوت شماست و دلیل بر عظمت اسلام و عظمت جمهوری اسلامی است و این باید باعث تقویت ما بشود. اگر ایران، یک جایی بود که سستی داشت و جمهوری اسلامی دیگر از بین می خواست برود، این قدر سر و صدا نمی شد.



امام خمینی ۱۳۶۳/۹/۲۰

در بعضی از کشورهای دیگر، مردم در ایام ماه رمضان با دهان روزه مورد تهاجم های تروریستی قرار گرفتند. این نتیجه ی پرورش دادن تروریسم به وسیله ی دستگاه های امنیتی و دست های ناامن دستگاه های آمریکا و صهیونیست و انگلیس است که این چیزها را در دنیای اسلام به وجود آورده اند؛ البته خودشان هم آسیب خواهند دید - همچنان که بتدریج دارند می بینند - اما این گناه آنها و جرم آنها است... تلاش دشمنان برای به فراموشی سپردن مسئله ی فلسطین است. می خواهند دنیای اسلام را درگیر مسائل داخلی خودشان بکنند که مسئله ی فلسطین را فراموش کنند و فرصتی برای رژیم صهیونیستی به وجود بیاید تا آن اهداف خباثت آمیز خودش را دنبال کند. ما باید بدانیم مبارزه برای آزادی فلسطین یک مبارزه ی اسلامی است، یک مبارزه ی همگانی است؛ این وظیفه ی مسلمانها است که در همه جای دنیا، به هر شکلی که میتوانند، این مبارزه را، این فریاد را، این حرکت را ادامه بدهند. فروکاستن این مسئله ی به این مهمی به یک مسئله ی داخلی عربی، مطلب غلطی است.



مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۴/۱۶

نفوذ اقتصادی در اولین دولت بعد از خمینی

نویسنده: نبی زاده



خاص و حتی تغییر در باورهای اعتقادی و سیاسی را به همراه داشت.

اظهارات و مواضع رئیس دولت سازندگی نیز موید همین مطلب است. وی در همین راستا در ۱۸ آبان ۱۳۶۸ در خطبه نماز جمعه معروف خود که بعدها به خطبه مانور تجمّل معروف شد بیان داشت: «اظهار فقر و بیچارگی کافی است. این رفتارهای درویش مسلکانه وجهه جمهوری اسلامی را نزد جهانیان تخریب کرده است. زمان آن رسیده که مسئولین ما به «مانور تجمّل» روی آورند. از امروز به خاطر اسلام و انقلاب مسئولین وظیفه دارند مرتب و باوقار باشند. هرچند ما فقیر باشیم و اقتصادمان به سامان نباشد اما برای آنکه در دیدگان سایر ملل مسلمان و غیر مسلمان «ملتی مفلوک» جلوه نکنیم لازم است تا «جلوه‌هایی از تجمّل» در چهره کشور و مسئولین حاکمیتی رویت شود.» او این کار را با انتقال دولت خود به کاخ سعدآباد و دکورهای چندمیلیونی برای وزارتخانه‌ها آغاز کرد. بعد از آن کاخهای شاه معدوم یک به یک به تصرف دولتی‌ها درآمد.

آقای هاشمی در جایی دیگر رسماً اظهار می‌کند: «ایزادی ندارد اگر عده‌ای زیر چرخ‌های توسعه له شوند.» همین اظهارات و پیگیری عملی این سیاست‌ها توسط دولت سازندگی سبب گردید تا فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمّل در جامعه پررنگ شود، اختلاف طبقاتی زیاده‌تر شده و به موازات این وضعیت، اوضاع اقتصادی کشور نیز به دلیل تورم شدید و شکست طرح‌های دولت در حوزه اقتصاد به وخامت گرایید که بیشترین فشار را بر گروه‌های کم‌درآمد و مستضعف جامعه وارد می‌کرد. بدین ترتیب، اقشاری که در دهه‌ی ۱۳۶۰ صاحبان اصلی انقلاب بودند در زیر چرخ‌های توسعه و سازندگی مورد نظر دولت هاشمی له شدند و به حاشیه رفتند. در آن دوران تکنوکرات‌ها با استفاده از فرصت‌های ناشی از رابطه قدرت-ثروت، متنعّم شدند و ثروت متراکمی را برای خودشان به وجود آوردند.

چون آنها می‌دانستند منشأ این ثروت، قدرت دولتی است، تاکنون کوشیده‌اند روند توسعه اقتصادی در کشور را براساس تفکرات غلط ادامه دهند تا همچنان عنان اشرافیت تصمیم‌گیر در دستانشان باقی بماند.

پس از رحلت امام خمینی(ره) و با انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله العالی) به رهبری جمهوری اسلامی ایران، عملاً پست ریاست‌جمهوری خالی ماند. بدین صورت پنجمین دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۶۸ برگزار شد و آقای اکبر هاشمی رفسنجانی، که وابسته به جناح میانه‌رو راست بود، با کسب بیش از ۹۰ درصد آرای مردم و با شعار اصلاحات اقتصادی و بازسازی اقتصاد جنگ‌زده به ریاست‌جمهوری رسید.

کابینه‌ی آقای هاشمی رفسنجانی عمدتاً از افرادی تشکیل شده بود که سابقه‌ی فعالیت در کارهای اجرایی را داشتند. درواقع بن‌مایه دولت سازندگی را تکنوکرات‌هایی تشکیل می‌دادند که در این دوره به نیروی مشخص و متمایزی تبدیل شده بودند و تأثیر مهمی بر اقتصاد و سازندگی و نحوه‌ی اجرای برنامه‌های توسعه در کشور گذاشتند. این افراد در غرب تحصیل کرده و پیشرفت صنعتی غرب را از نزدیک دیده و در تلاش بودند ایران را نیز در این راه قرار دهند که البته در این مسیر ضعف‌ها و کاستی‌هایی جدی از خود نشان دادند؛ به طوری که نه تنها توسعه به سبک غربی پیش نرفت و فاصله‌ی طبقاتی کمتر نشد، بلکه منجر به ورود فرهنگ غربی به کشور و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین مردم شد. ریاست‌جمهوری آقای هاشمی هم‌زمان شده بود با حمله‌ی عراق به کویت که این امر باعث افزایش قیمت نفت شد و شرایطی را فراهم کرد که دولت با شتاب و قدرت بیشتری به فعالیت‌های خود بپردازد. طرح تعدیل اقتصادی دولت سازندگی، اصل و محور توسعه اقتصادی بود و به صورت غیرمستقیم، هم سیاست و هم فرهنگ را تحت الشعاع خود قرار داد. ایده‌های اقتصادی دولت کارگزاران بر مبنای ایده‌های نئولیبرالیستی و بر مبنای مکاتب اقتصادی شیکاگو و اتریش شکل گرفته بود. این سیاست‌ها که به توصیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در برخی کشورها اجرا شد عملاً در همه کشورها به جز برزیل شکست خورد.

الگوهای توسعه اقتصادی که توسط موسسات بین‌المللی برای ایران تجویز شده بود و با حضور گسترده تکنوکرات‌ها در ارکان دولت عملیاتی میشد در عمل با استقراض زیاد از بانک جهانی، وابستگی اقتصادی کشور را به غرب بیشتر نموده و روند استحاله تدریجی فرهنگی سیاسی در ایران را آغاز نمود. چرا که الگوی توسعه اقتصادی غربی به همراه خود الگوی مصرفی خاص، سبک زندگی



نویسنده: محمد برم مشگینی

بال دارد، یک بال سبز و یک بال قرمز. بال سبز این پرنده مهدویت و عدالت‌خواهی اوست و بال سرخ آن شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است». او می‌گوید این پرنده زرهی دارد به نام ولایت‌پذیری و معتقد است در عصر غیبت، فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد و تنها راه زمین زدن این پرنده را نشانه گرفتن ولایت‌پذیری و ولایت فقیه می‌داند.

این ادبیات یعنی دشمن برای عکس‌العمل برنامه دارد. عکس‌العمل برای مقابله با محور مقاومت در ترویج تفکر ناب شیعی با عاملیت ایران و حزب الله، تحت هدایت ولایت فقیه. در کنار هجمه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گسترده به منطقه مقاومت، دشمن نیازمند راه‌اندازی جنگی نیابتی در منطقه بود تا ریشه‌های وحدت را بخشکند و مانع صدور اصول انقلاب و اسلام شود. پس به تولید گروه‌های تروریستی جدید از جمله داعش دست زد. داعش تعریف انحرافی از جهاد در اسلام است. جهادی که می‌بایست هدفگذاری کنونی آن صهیونیسم باشد؛ همانطور که وهابیت فرقه انحرافی در دین اسلام است.

عربستان فکر می‌کند با این پیوند شوم می‌تواند از سقوط دولت سست بنیه سعودی جلوگیری کند و از طرفی چون اسرائیل را سوگلی آمریکایی‌ها می‌بیند با تصور جلب نظر آن‌ها به سمت اسرائیل رفته است. به زعم سردمداران سعودی، عربستان با این اقدام تبدیل به یک قدرت سرشناس در منطقه خواهد شد و می‌تواند دست برتر باشد اما وقایع نشان می‌دهد اسلام ناب محمدی و آرمانهای انقلاب در حال پیشرفت در منطقه است و عربستان تنها خود را در فضای بین المللی بدنام کرد.

همچنین این نکته را یادآور باید شد که عربستان برای ما دشمن درجه یک نیست حتی اگر به این مرحله رسیده باشد بلکه در تبع دشمن اصلی که صهیونیسم و جهان‌خواران است قرار دارند. در پایان باید خطاب به سردمداران رژیم غاصب صهیونیستی و سردمداران جوان و خام آل سعود این کلام خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره آل عمران را گفت که می‌فرماید: «قُلْ مُوتُوا بِغِیْظِکُمْ» بگو! به واسطه این خشم خود بمیرید.

یکی از حوادث مهم اخیر اعلام رسمی پیوند اسرائیل و عربستان بود که نشانه گذر از دوران نفاق به کفر علنی است. عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی هرچند دشمن هم به نظر می‌رسند و حتی برخی از اعلامیه‌های ضداسرائیل با امضای عربستان سعودی به چاپ رسیده‌اند اما این دو حکومت یک نقطه اشتراک دارند و آن، دشمنی با جمهوری اسلامی ایران است. این دشمنی اتحاد منفعت‌طلبانه آن‌ها را رونق بخشیده است به طوری که اخیراً به برقراری ارتباط علنی میان این دو کشور علیه ایران اذعان شده است.

آرمانهای انقلاب اسلامی ایران و توجه به حمایت از مظلوم در برابر ظالم و همچنین حمایت از مسائل حق‌طلبانه ملت‌ها، نمی‌تواند مورد قبول مستکبران باشد. از همین رو و در کنار شکست‌های پی در پی اسرائیل و همپیمانانش، چه در صحنه منطقه‌ای و چه بین‌المللی به ویژه از سال ۱۹۸۲ و جنگ‌های پس از آن همچون مقاومت ۳۳ روزه و... مقامات صهیونیستی را به این نتیجه رسانده است که با استفاده از اختلاف نظرها میان طوایف مختلف مذهبی و تولید جریان‌های تکفیری تروریستی با نماد داعش، جبهه النصره، احرار الشام و هزاران هزار گروهک‌های تکفیری به نفع خود بهره‌برداری کند. در این راستا کشوری که می‌تواند بیش از هر کشور دیگر به این هدف کمک کند، عربستان اسیر شده در چنگال وهابیت است. و چه شبیه است این دوران به دوران جنگ احزاب.

دولت غاصب صهیونیستی به دلیل واهمه شدید از آنچه که «بنیادگرایی شیعه» می‌نامد درصدد است میان کشورهای عرب غرب آسیا (خاورمیانه) متحدی پیدا کند تا سدی در برابر نفوذ روزافزون اسلام ناب محمدی در منطقه ایجاد شود. البته این دغدغه تنها مشکل اسرائیل نیست بلکه مستکبران و دشمنان قسم خورده اسلام همچون آمریکا نیز از نفوذ این تفکر ناب به قلوب ملت‌ها می‌ترسند. سند این ترس نیز ایجاد هلال ضد شیعی در منطقه غرب آسیا با پشتیبانی آمریکا و رهبری اسرائیل و عربستان است.

در حقانیت تفکر ناب شیعی همین بس که فرانسویس فوکویاما فیلسوف و نظریه پرداز آمریکایی می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست، پرنده‌ای است که دو



در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیّت؛ تبعیّت نکن. تبعیّت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیّت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیّت نکن.»

بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۳



این نهضت ضد آمریکایی ...

نویسنده: sobhanshahidi



جمله جریان‌های اهل تسنن و گروه‌های با تفکر لیبرال و دموکرات در کنار جریان اسلام‌گرای شیعی به پا خواسته‌اند. طبق شواهد موجود، نهضت مردم بحرین یک نهضت دینی و ضداستکباری است و همچون نهضت ایران اسلامی که منجر به سرنگونی حکومت وابسته پهلوی گردید در زمره نهضت‌های دینی و انقلاب‌هایی با رنگ و بوی فرهنگی جای می‌گیرد و شاید بهتر است با سنج‌های ماتریالیستی و یا دیگر معیارهای غیردینی مورد بررسی قرار نگیرد.

نظام آل خلیفه هم مانند نظام سرنگون شده پهلوی دچار یک خطای اساسی شد. حاکمیت مستبد محمدرضا پهلوی با این انگاره که اگر امام خمینی(ره)، رهبر نهضت اسلامی در ایران، را از مردم جدا کند سبب سرکوب و خاموشی شعله نهضت مردم می‌شود امام را از مردم دور کرد و او را سال‌ها در تبعید نگه داشت.

اما انقلاب اسلامی ۱۵ سال بعد به نتیجه رسید. آری شاه ۱۵ سال توانست در به سرانجام رسیدن این قیام تاخیر بیندازد اما در این مدت جنبش مردمی ایران پخته‌تر شد و پس از سالها در سال ۱۳۵۷ با نیرویی شکست ناپذیر به جنگ نظام سلطه رفت. اینها در حالی است که امام و امتش تقریباً از هرگونه حامی بین المللی و نمونه و الگوی پیروز شده محروم بودند.

آل خلیفه هم دچار همین خطا شده است، آنها با دور کردن سران نهضت اسلامی بحرین سعی دارند تا مردم را از این حرکت بازدارند اما غافل از این که این افراد خود سوپاپ اطمینانی هستند در جهت کنترل قیام مردمی. امروز نهضت مردمی بحرین نمونه‌ای موفق در فاصله‌ای نه چندان دور را در ایران اسلامی می‌بیند. ملت بحرین نمونه‌هایی چون مصر، تونس و یمن را می‌بیند و از حمایت امت اسلامی برخوردار خواهد شد.

با سلب تابعیت از رهبری چون شیخ عیسی قاسم و سایر انقلابیون این نهضت فرو نخواهد نشست چرا که هدف اصلی مردم برپایی یک حاکمیت مشروع و اسلامی است. به فرض فردی چون شیخ عیسی قاسم از بحرین اخراج شود آیا مردم را هدایت کردن از نقطه‌ای دورتر امکان‌ناپذیر است؟

خبر سلب تابعیت از شیخ عیسی قاسم یکی از رهبران اصلی و سردمدار شیعه قیام و نهضت مردم بحرین بهانه‌ای شد تا به بررسی اجمالی این نهضت و آینده احتمالی آن بپردازیم.

نهضت‌ها در پی اهداف مختلفی شکل می‌گیرند اما آنچه که در برهه‌های مختلف تاریخی به عنوان نهضت از آن یاد شده است، جنبش و حرکتی است در جهت اصلاح و یا تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب که این جنبش‌ها در قالب مخالفت با سیاست‌های حاکمیت فعلی شکل می‌گیرد. آنچه که یک نهضت را از شورش و یا یک اغتشاش جدا می‌کند هدف اصلاحی و سازنده آن است.

برای آنکه بفهمیم یک حرکت و یا یک نهضت چه ماهیتی دارد باید به موارد ذیل توجه کنیم:

- چه علل و عواملی سبب شکل‌گیری این نهضت شده است؟
- اهداف آن نهضت چیست و چه می‌خواهند؟
- عناصر آن نهضت و نیروهای برپا کننده آن، چه افراد و گروه‌هایی هستند؟
- محتوای نهضت که برگرفته از شعارها و رفتارهای عناصر دخیل در طی شکل‌گیری آن است، چیست؟

نهضت مردمی بحرین همزمان با شکل‌گیری موج بیداری‌های اسلامی در جهان عرب شکل گرفت. اصلی‌ترین علت این حرکت، نظام حاکم بر بحرین است. حاکمیت بحرین نه یک حاکمیت بومی بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری هستند که در پی اختلافات مذهبی با قبیله بنی‌کعب در زمان ریاست شیخ نصرالله خان بر بحرین از کویت وارد بحرین شدند.

یک حکومت به شدت استبدادی که در آن پادشاه بحرین حرف اول و آخر را می‌زند. این پادشاه است که قانون را تعریف و تعیین می‌کند و حتی نخست وزیر و اعضای کابینه را هم او مشخص می‌کند. آل خلیفه در کنف حمایت آل سعود و حامی و کارگزار آمریکا محسوب می‌شود. محتوای نهضت بحرین یک محتوای دینی و اسلامی است چراکه عناصر تشکیل دهنده این حرکت مردمی عمدتاً از جریان‌های اسلام‌گرا با محوریت تشیع هستند و می‌توان گفت باقی جریان‌ها از

دنیایی که کوچکترین حوادث با بزرگترین دامنه و وسعت بازتاب داده می‌شود از رساندن پیام شیخ عیسی قاسم‌های در تبعید عاجز است؟ آیا امروز هم چون سال‌های تبعید امام، شیخ عیسی قاسم‌ها در پشت مرزها منتظر اجازه ورود از این امیر و آن امیر می‌شوند در حالی که ایران اسلامی رسماً حمایت خود را از نهضت‌های ضداستکباری اعلام کرده است؟

از طرفی در تعالیم دینی خود بارها و بارها دیده‌ایم و شنیده‌ایم که «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» و می‌دانیم که ملک شاید با کفر باقی بماند اما بنایی که با ظلم ساخته شود دوام چندانی نخواهد داشت. حال نظامی در ابعاد آل خلیفه و قدرت پوشالی و وابسته خود تکلیفی بسیار روشن دارد.

در صورت پیروزی این نهضت ضداستبدادی و ضداستکباری و برچیده شدن بساط آل خلیفه، منافع استکبار جهانی و از طرفی عربستان به خطر خواهد افتاد چراکه آمریکا در این کشور دارای پایگاه است و موقعیت خاص جغرافیایی بحرین، این کشور را در کانون توجه آمریکا قرار داده است. در حال حاضر مهم‌ترین پایگاه دریایی آمریکا در حد فاصل قاره آفریقا تا شرق آسیا در بحرین قرار دارد. این عامل به اهمیت کشور کوچک بحرین نزد آمریکاییان افزوده و سبب شده است تا سرنوشت مردم این کشور به منافع و سلطه جویی‌های آمریکا و استراتژی‌های نظامی آنان پیوند زده شود.

همچنین عربستان دارای منافع بسیار از جمله منافع نفتی در بحرین می‌باشد و بخشی از نفت موجود در خاک خود را در همسایگی بحرین به دست می‌آورد و او برای افزایش قدرت منطقه‌ای خود به حامیانی چون بحرین نیاز دارد به همین خاطر برای حکومت آل خلیفه حکم دایه‌ای را بازی کرده که سال‌های سال دست نوازشش بر سر این طفل بوده است.

آنچه اهمیت دارد فردای بعد از پیروزی این نهضت است، اگر رهبران اسلامی توانستند توده مردم و اقشار مختلف را بر علیه نظام آل خلیفه در یک جهت بسیج کنند و پیروز شوند آنگاه باید پرسید این نظام نوپا چه سرنوشتی خواهد داشت؟

به عقیده نگارنده مهم‌ترین تهدید، عربستان سعودی با حمایت امریکا است و اینکه آنها در صورت پیروزی نهضت مردمی و

ضداستکباری بحرین سرنوشتی چون یمن را برای اهالی بحرین رقم خواهند زد و به احتمال بسیار بالایی مانع کنونی که موجب ترس و عدم بسیج عمومی و یکدستی همه مردم و همه گروه‌های مخالف در بحرین می‌شود ترس از تهاجم سعودی‌ها است.

عبور از این مانع و نترسیدن از طاغوت‌های موجود نیاز به یک تربیت ساختاری و انقلابی دارد تربیتی از جنس تعالیم امام خمینی برای نهضت مردم مسلمان ایران که درس مقاومت و ایستادگی را از او گرفتند.

منابع:

شهید مطهری، حماسه حسینی

غلامرضا گلی زواره، سیری در تاریخ و جغرافیای سرزمین بحرین، مکتب اسلام، سال ۵۱، شماره ۱۰

مقاله، انگیزه‌ها و هدف‌های نهضت اسلامی در بحرین از همان نویسنده.



استاندارد سود و مرگ



غذایی دیگر هم صدق می‌کند. این سازمان ادعاهای درمانی در مورد هر محصول غیردارویی را به طور کامل ممنوع کرده و به این شیوه مردم را موقع خرید تا حد زیادی بی‌اطلاع نگه می‌دارد و مردم برای رسیدن به یک نتیجه درمانی صرفاً به داروها متکی هستند.

سازمان غذا و داروی آمریکا در بیشتر موارد سیاست‌ها و قاعده‌های خود را هماهنگ با «کدکس» ابلاغ و اجرا می‌کند و تبعیت زیادی از این نظام‌نامه جهانی غذا دارد. Codex alimentarius دستور کار ترویج جهانی تجارت و ایمنی غذا است اما فعالیت‌های آن درواقع یک مانور نسل کشی است. گدکس چیزی را می‌خواهد که صنایع بزرگ کشاورزی، شیمیایی، داروسازی و بیوتکنولوژی و پزشکی می‌خواهند. این نظام‌نامه جهانی غذا برای ترویج و تحمیل محصولات دستکاری شده ژنتیکی و مواد غذایی آلوده شده با آنتی‌بیوتیک‌ها، سموم ملامین، راکتوپامین، فلوراید و ... تلاش می‌کند.

FDA طی یک سیاست غیرانسانی اعلام کرد که غذاهای اصلاح شده ژنتیکی از لحاظ ذاتی، معادل با غذاهای عادی است و نیازی به برچسب‌گذاری برای تشخیص مشتری ندارد، در حالیکه مطالعات بر روی اثرات GMO نشان داده این غذاها موجب آسیب به اندام‌های بدن، افزایش ناباروری و نارسایی سیستم ایمنی بدن می‌گردد.

در حدود نیمی از کل داروهایی که برای توزیع عمومی تأیید می‌شوند، در طی پنج سال بدون سر و صدا جمع‌آوری می‌گردند زیرا بیش از حد خطرناک بوده و موجب مرگ صدها نفر و تحمیل بیماری‌های خطرناک با هزینه درمان گزاف می‌شوند. به عنوان نمونه داروی وایاکس که برای بیماری آرتروز تجویز می‌شد، حداقل ۶۰۰۰۰ نفر آمریکایی را به کشتن داد و باعث حدود ۱۳۰۰۰۰ مورد حمله قلبی و سکته شد.

صنعت داروسازی برای باقی ماندن به انتشار بیماری نیاز دارد و با مریض نگه داشتن مردم، تجارت پرسودی را برای خود و معامله پرضرری را برای مردم رقم زده است. شرکت‌های داروسازی در آمریکا، محصولات خود را به دیگر کشورهای جهان نیز صادر می‌کنند تا با همان ترکیبات دارویی، ثروت عظیم برای خود و بیماری و مرگ را برای مردم آن کشورها به ارمغان آورند.

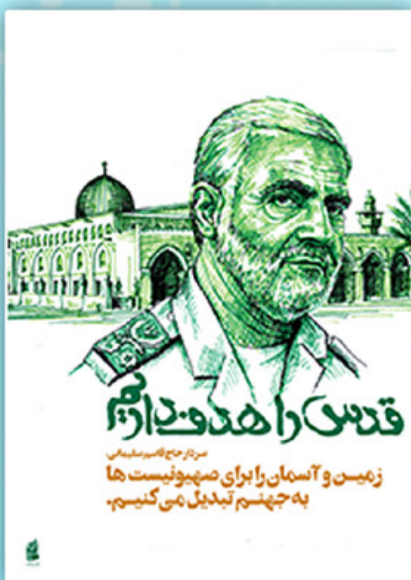
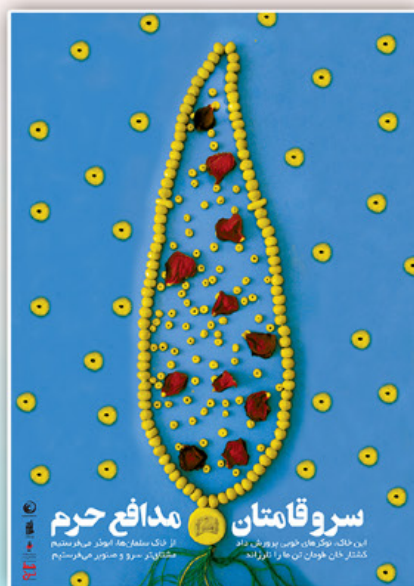
در این میان سیاست برخورد با مراکز طب ایرانی و اسلامی و اجازه واردات و استفاده از محصولات دستکاری شده ژنتیکی توسط دولت یازدهم در پس‌ابرجام، عجیب و قابل تأمل است.

منبع: مستند «جنگ علیه سلامتی»

تغییرات در ایالات متحده در حدود صد سال پیش شروع شد و اقتصاد کشاورزی به سمت اقتصاد صنعتی حرکت کرد. یکی از مصادیق تسلط بر حوزه‌های اقتصادی زمانی بود که راکفلرها شروع به کنترل داروهای آلوپاتیک کردند که هنوز در آن ایام انواع مختلفی از آموزش پزشکی اعم از مدرن و سنتی در ایالات متحده وجود داشت اما وقتی راکفلرها سیستم پزشکی را به دست گرفتند، تمامی این مکاتب را به تعطیلی کشاندند و فقط جراحی، پرتوافشانی و فروش داروهای خود را ترویج کردند.

در دهه ۱۹۳۰ اداره مواد غذایی و دارویی (Food and Drug Administration) آغاز به کار کرد و به مردم آمریکا به عنوان سازمانی معرفی شد که از منابع غذایی و دارویی آنها محافظت می‌کند. زیرا در اوایل این قرن مشکلات بهداشتی زیادی در صنعت بسته بندی (به خصوص گوشت) و همچنین در ثبت اختراع داروهایی که در آنها مواد اعتیادآوری مانند هروئین، کوکائین و مرفین به کار رفته بود، وجود داشت. بعد از مدتی این سازمان اختیار قانونی ایمنی و همچنین اثربخشی داروها را به دست آورد و سپس در خدمت شرکت‌های بزرگ داروسازی قرار گرفت. این سازمان اکنون به عنوان ضابط اجرایی سودآوری این شرکت‌ها، حتی از تاکتیک‌هایی شبیه به گشتاپو (سازمان امنیتی مخوف هیتلر) استفاده کرده و برای این کار از هزاران مأمور مسلح فدرال بهره می‌گیرد. چهل درصد از بودجه FDA از طریق بررسی و تأیید داروهای شرکت‌های بزرگ تأمین می‌شود.

قانون مدرنیزه کردن ایمنی غذا در سال ۲۰۰۷، به آنها اجازه داد تجارت بین ایالتی هر غذایی را که برای استفاده پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته، ممنوع کنند. این قانون به FDA قدرت و پول بیشتری داد تا مأمورانی استخدام کند که به تمام مناطق روستایی در سراسر ایالات متحده شبیخون زده و شروع به دستگیری باغداران کوچک ارگانیک و ارباب مزرعه‌داران لبنیات محلی (پاستوریزه نشده) کنند و حتی مردمی را که در حیاط خانه یا باغ خود غذا پرورش می‌دادند، بترسانند. همه این آزار و اذیت‌ها علیه کسانی هدف‌گیری شده بود که غذای واقعی در آمریکا تولید می‌کردند. به عنوان مثال یک گروه از پرورش‌دهندگان گیلاس، تحقیقات خود در مورد مزایای گیلاس از نظر درمان صفرا را به سایت دانشگاه هاروارد ارسال کرده و این مطلب را در سایت خود منتشر می‌کنند. FDA تشخیص داد این لینک، یک ادعای غیرقانونی سلامتی محسوب می‌شود! بنابراین با تفنگ به پرورش‌دهندگان گیلاس یورش برده و از آنها بابت عدم انتشار مجدد این اطلاعات تعهد گرفتند. همین قضیه در مورد بسیاری از مواد



در میان رخدادهای تاریخ معاصر ایران، کشف حجاب به عنوان یک جریان اجتماعی، موضوعی است که ریشه‌های آن را باید فراتر از مرزهای جغرافیایی جستجو کرد. در حقیقت، کشف حجاب ارمغانی است از دنیای غرب به دنیای شرق. در این جریان، ارزش‌های مذهبی و سنتی، تا حدود زیادی دگرگون شده و شکل غربی به خود می‌گیرد و آنچه، هم از زاویه دین و هم از زاویه عرف، مقدس شمرده شده بود مورد بی‌توجهی واقع می‌شود.

مخالفان حجاب تلاش کرده‌اند تا با طرح این موضوع که حجاب مخل آزادی زنان است بی‌حجابی را رواج دهند، در صورتی که با مطالعه تاریخ می‌توان دریافت که سیاست کشف حجاب رضاخان میرنچ، نه تنها آزادی را برای زنان به ارمغان نیاورد بلکه زنان را از فعالیت‌های اجتماعی و حضور در جامعه محروم و پایه‌های رژیم «دیکتاتوری» را تقویت کرد. رضاخان پیش از رسیدن به قدرت، به شدت تظاهر به دین‌داری کرده و حتی در مراسم مذهبی و عزاداری حاضر می‌شد؛ اما پس از تثبیت قدرت، آرام آرام سیاست‌های ضد مذهبی وی به اجرا در آمد.

از جمله این اقدامات می‌توان به حضور روز افزون میسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید به سبک غربی، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، تغییر نظام آموزشی، اجباری کردن استفاده از کلاه شاپو، صدور قانون متحدالشکل کردن البسه، کشف حجاب بانوان، ترویج بی‌قیدی در میان زنان، جلوگیری از حضور زنان با حجاب در پارک‌ها، سینماها، تئاترها، هتل‌ها و سایر مراکز عمومی اشاره کرد. در واقع اصلی‌ترین هدف رضاخان از تغییر سبک لباس پوشیدن ایرانیان

که کشف حجاب نیز شامل آن می‌شد، کاستن از نفوذ نیروهای مذهبی در بین مردم و تضعیف روحانیت بود. چنانچه «مخبرالسلطنه هدایت» می‌گوید: «ظاهراً قصد از تغییر لباس از بین بردن لباس اهل علم [علما] است.» «ویلیام سولیوان»، آخرین سفیر آمریکا در ایران نیز در کتاب خاطرات خود درمورد دین‌ستیزی او می‌نویسد: «رضاشاه در اواخر دوران سلطنت خود بیش از پیش فریفته تمدن غربی شد و هرچه به تمدن غربی نزدیک‌تر می‌شد بیشتر از روحانیت فاصله می‌گرفت. رضاشاه به وعده‌های خود در مورد اجرای مفاد قانون اساسی ۱۹۰۶ هم عمل نکرد و چون با مقاومت‌هایی از طرف روحانیون مواجه شد تصمیم به مقابله با آنها گرفت. یکی از موارد اصلی این مقابله و معارضه، مسئله حجاب بود.» رضاخان که ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی را مانعی جدی بر سر راه تئوریزه کردن دیکتاتوری خود می‌پنداشت، پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه در سال ۱۳۱۳، بیش از اندازه تحت تأثیر اقدامات غرب‌گرایانه آتاتورک، قرار گرفت. مخبرالسلطنه هدایت که در آن زمان رئیس‌الوزرا بود در کتاب «خاطرات و خطرات» می‌نویسد: «کشف حجاب سوغات ترکیه بود که پهلوی به ایران آورد.» از این رو رضاشاه پس از بازگشت به ایران عزم خود را برای غربی شدن جامعه ایرانی جزم کرد و مدعی آن شد که اگر مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی بر سر بگذارند و نسبت به تقییدات دینی سستی نشان دهند متمدن خواهند شد.

اما آنچه در اصل از سوی استعمارگران دنبال میشد گسترش فساد و رواج بی‌بندوباری در جامعه بود. «همفر»، جاسوس معروف انگلستان در کشورهای اسلامی که از فعالان رواج فرهنگ غربی در میان ملل مسلمان جهت مبارزه با استقلال آنها بود در اوایل قرن دوازدهم در این باره به وزارت مستعمرات بریتانیا پیشنهاد کرد: «لازم است به هر وسیله‌ای که شده زن مسلمان را از حجاب اسلامی خارج کرد و بی‌حجابی را در بین مسلمانان رایج نمود و ابتدا با این توجیه که حجاب از عادت‌های دوره خلفای عباسی بوده و ریشه در اسلام ندارد، زنان مسلمان را تشویق کنیم از حجاب دست بردارند... برای اجرا باید اول سعی کرد زنان غیرمسلمان در کشورهای اسلامی را از حجاب خارج کرد تا زنان مسلمان نیز از آنان پیروی کنند.»

ممنوعیت رضاخانی در قبال حجاب تا آنجا پیش رفت که در بهار سال ۱۳۱۴ نیز وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای مقرر کرد که دختران با حجاب حق دریافت جایزه یا دیپلم خود را ندارند. با این حال، رضاخان ادعا می‌کرد که هدف از کشف حجاب وارد کردن زنان به عرصه اجتماعی و سیاسی جامعه است؛ این درحالی بود که سال‌ها پیش از دوران رضاخانی، زنان در امور عمومی و مسائل اجتماعی نقش داشته و فعالیت می‌کردند ولی با اعمال کشف حجاب زنان مسلمان ایران از حضور در اجتماع منصرف شدند.

به روایت اسناد موجود، بسیاری از زنان خرمشهر که حاضر به کنار گذاشتن حجاب نبودند، مخفیانه از مرز گذشته و به عراق گریختند. در گزارشی از دشت میشان به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۲۷ با اشاره به مهاجرت عده‌ای خاطرنشان شده است: «مهاجرت فقط این عده نبود، از طوایف دیگر هم مهاجرت نموده‌اند، علت آن هم ظاهراً از ترس کشف حجاب بوده.» بدین ترتیب در پس کشف حجاب، «آزادی» به طور کامل جای خود را به «اسارت» زنان داد.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

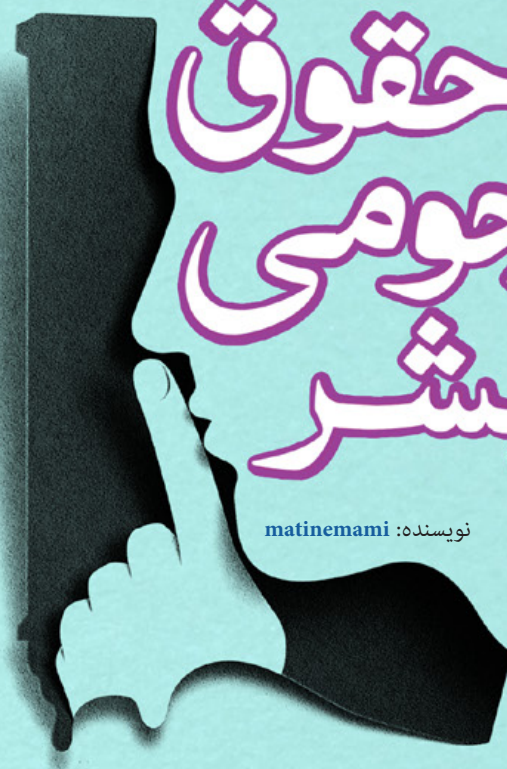




قدس مسئله اصلی
دنیای اسلام است
راه قدس از مکه و
مدینه می‌گذرد.

حقوق نجومی بشر

نویسنده: **matinemami**



اجتماع بشری شکل می‌گیرد.

اما در عصر به اصطلاح مدرنیسم، از نظر فرهنگ و حقوق بشر غربی؛ بشر دیگر در اندیشه تکلیف و وظیفه نیست تا درصدد انجام آن باشد؛ بلکه در پی آن است که ببیند چه حقوقی دارد تا این حقوق را از دیگران مطالبه نماید. در شرق زمین مردم را برای رسیدن به حق متصور خود می‌کشد و در غرب زمین برای رسیدن مردم به حق خود یاری می‌کند. حتی می‌بینیم که امروزه بشر در پی آن نیست که ببیند خدا، قانون و جامعه برای او چه وظایفی قرار داده است، بلکه در این اندیشه است که اگر خدایی هم وجود دارد یا حرکتی در جامعه انجام می‌شود، سهم خود را از نظام آفریده شده توسط خدا و جامعه بازستانند! و این امر را از ویژگی‌های جدانشدنی این عصر می‌دانند. از دیدگاه حقوق بشر غربی، اگر درباره حقوق متقابل و تکلیف، اوامر و نواهی الهی و اموری از این قبیل ببیندیم، این تفکر «تکلیف مدار» یک اعتقاد ارتجاعی و واپس‌گرایانه است.

باید گفت که اصولاً «حق» و «تکلیف» دارای رابطه‌ای عقلی است که نمی‌توان حقی که در مقابل آن تکلیفی متناسب نباشد را اثبات کرد. اگر می‌گویند: «زن در مقابل انتخاب نوع پوشش خود در جامعه حق دارد» این بدان معناست که زنان به دلیل حق آزادی انتخاب پوشش، در مقابل جامعه تکلیفی دارند که آن آزادی را محدود می‌کند. اگر تنها آزادی را بدون هیچ تکلیفی، حق بدانیم، و در مقابل، مکلف به رعایت حق هیچ کسی نباشیم، بود و نبود این حق مساوی خواهد بود و جز هرج و مرج چیز دیگری به دنبال نخواهد داشت.

اگر بپذیریم که انسان علاوه بر دارا بودن «حقوق»، در مقابل تک تک مردم جامعه و در پیشگاه خداوند دارای «تکلیف» است، طبیعی خواهد بود که آزادی را مطلق و فوق قانون نخواهیم دانست. منطق عقلانی قانون تصریحاً یا تلویحاً می‌گوید: باید رفتارهای انسان محدود گردد و اصلاً شأن قانون محدود ساختن آزادی است. اگر «قانون» و «دین» اجازه محدود ساختن آزادی را نداشته باشند، وجودشان لغو است.

با مطالعه تاریخ خواهیم یافت که نفی تفکر تکلیف‌محور توسط حقوق بشر غربی، موضوع تازه و جدیدی نیست؛ سهم خواهی طلحه و زبیر از حکومت و اینکه انگیزه اصلی آنان از بیعت، حکومت نمودن بر برخی مناطق سرزمین اسلامی نظیر بصره و کوفه بوده، شاهد این مدعاست. مطلق دانستن حق حکومت خود بر بصره و کوفه، بدون در نظر داشتن وظایف‌شان نسبت به حکومت اسلامی، موجب شد که این اشخاص به فتنه و آشوب پردازند. در زمان خلفای پیش از حضرت علی (علیه‌السلام) رسم شده بود که هر کس زودتر ایمان آورده بود بدون اینکه نسبت به جامعه و حکومت اسلامی تکلیفی را برای خود فرض بداند، سهم بیشتری از بیت‌المال دریافت می‌کرد. امام علی (علیه‌السلام) بر این باور بودند که این قضیه تبعیض بوده و وجه شرعی ندارد. از این‌رو، در سال نخست حکومت به هر فردی سهمی مساوی از بیت‌المال اختصاص دادند. این امر موجب شد برخی صحابه مانند طلحه و زبیر سر به اعتراض برداشته و عَلم جنگ برافرازند و یا به سوی معاویه بشتابند. و چنین بود که سابقه‌داران جهاد و مبارزه در راه اسلام در جست‌وجوی سهم و ویژه‌خواری گرفتار حب دنیا شدند و در دامن مخالفان حضرت جمع شدند و حتی قتل عثمان را به امام علی (علیه‌السلام) نسبت دادند.

از آن زمان که آناستاز، مالیاتی برای استنشاق از هوا وضع کرد! نرون، آرزو می‌کرد همه انسان‌ها یک گردن داشتند که می‌توانست با یک شمشیر آن را بزند! تیمور لنگ از تماشای جهش خون گردن انسان‌ها لذت می‌برد! چنگیز چهره ضد حیات به خود گرفت و سگ‌ها و گربه‌های شهرهایی را که اشغال می‌کرد، می‌کشت! حتی از آن زمان که عربستان سعودی در سازمان ملل به ریاست شورای حقوق بشر انتخاب شد درحالی‌که در یمن، سوریه و عراق زنان و کودکان با بمب و نیروهای مورد حمایتش کشته می‌شدند! آنکه سود بردن از تحریم‌ها را با تأسیس صرافی و نزول و صعود ارز، حق خود فرض می‌کرد! دختری که حقوق نجومی پدرش را سهم خود از انقلاب می‌دانست!... مفهوم «حق» به نوعی سلطه تعبیر شده است؛ مفهومی که نوعی تسلط، احاطه، برتری و یا نوعی اعمال قدرت را، صحیح یا غلط، برای صاحبش متصور می‌کند. تا جایی که مفهوم «سلطه» را تقریباً با «حق» مساوی کرده است.

در شرایط زندگی اجتماعی و روابط انسان‌ها که به یکدیگر کم و بیش نفع می‌رسانند؛ اگر این انتفاع متقابل به صورت قانون درآید، عنوان «حق» و «تکلیف» پیدا می‌کند و معین می‌شود که در کجا باید نفع ببرند و در کجا باید نفع برسانند. برای مثال، کسی که برای شما کاری را انجام می‌دهد، «حق» پیدا می‌کند که مزد عمل خویش را مطالبه نماید. پس در مقابل کاری که برای شما انجام داده است، حقی بر شما پیدا می‌کند و شما «تکلیف» دارید که «حق» او را بپردازید. در این حالت، یک رابطه متقابل از «حق» و «تکلیف» در

حقوق بشر یعنی؛ توزیع، تأمین و امکان بهره‌وری عادلانه از آزادی و استعداد های مادی، رفاهی، معیشتی و خدماتی جامعه و ایجاد زمینه و بستر مناسب برای رسیدن به اهداف انسانی. توزیع برابر ثروت‌ها و فرصت‌های درآمد خیز و برخورداری از بیت‌المال به طور مساوی، شرط لازم برای برقراری عدالت اجتماعی است. لکن باید توجه داشت که مقتضای عدالت اجتماعی آن نیست که حقوق و دستمزد و درآمد اقتصادی تک‌تک افراد جامعه نیز همانند سهم عمومی آنها از بیت‌المال، مساوی و یکسان باشد. لازمه تحقق عدالت در این مرحله، متفاوت بودن بهره‌مندی آنان از منابع و امکانات جامعه به تناسب تلاش، تأثیرگذاری و تکالیف آنان نسبت به جامعه است.

از دید دنیاگراها و منفعت‌طلب‌ها، آنان که از قدرت و تسلط بیشتری بر ثروت و منابع برخوردارند، حقشان در برابر تکلیف، زحمت و دسترنج عده‌ای دیگر است. آنان که می‌گویند ما تنها در اندیشه استیفای حقوق خویش به دلیل فعالیت‌های انقلابی گذشته خویش هستیم و ملزم به انجام هیچ گونه تکلیف دیگری نمی‌باشیم. بنابراین، از نظر آنان، انسان حق دارد مقابل اعتراض‌ها و بازخواست‌ها بایستد و حتی پرچم مخالفت بر ضد خدا برافرازد و رسماً از منتقدان به سهم‌گیری‌های نجومی خود شکایت کند.

به همین دلیل، طی قرون و اعصار و در همه جوامع کوچک و بزرگ و متمدن و غیرمتمدن، قدرت پرستان خودکامه و متفکرهای هیژم‌آور برای کوره‌های آتش‌زای آنان، واقعیت حقوق بشر و حق حیات دیگران را ساقط می‌کنند، سپس آن حق را در هرچه که باشد، وسیله‌ای برای اهداف خود تلقی می‌کنند و آن گاه به خود اجازه می‌دهند که با عناوین و ضمانت سوابق انقلابی، حقوق شهروندی، حقوق بشر و حق آزادی؛ چنان عمل کنند که گویا هیچ‌گونه تکلیف و مسؤولیتی در قبال حفظ انقلاب، ارزش‌ها و نیز مبارزه با نقوذ و ضربه‌های استکبار به انقلاب ندارند؛ تنها یک تکلیف بر عهده‌شان است و آن این‌که اجازه دارند سهم و نفع خود را بیش از فعالیت و تلاش خود از سفره انقلاب بردارند.



حمیدرضا رفیعی



ارسال شده توسط: Gharib12

سلام علیکم بماصبرتم عقبی الدار
پدر ومادرعزیزم:

از این راه دور دستان مبارکتان را میبوسم و دعاگوی شما هستم و شرمنده هستم که نتوانستم وظیفه فرزندی خود را انجام دهم. ولی امیدوارم و انتظار دارم که حتما مرا ببخشید و از پروردگار رحمان طلب آمرزش برایم بخواهید. خواهر و برادران عزیزم امیدوارم که شما هم مرا ببخشید و از اقوام و آشنایان و دوستان هم برام حلایت بطلبید. ان شاءالله خداوند توفیق زندگی الهی به شما عطا فرماید همانطورکه تاکنون امورتان در جهت خداوند و شرع مقدس و اسلام بوده، بماند و بیشتر شود. و تو ای همسر خوبم:

هرچه فکر کردم برات چه بنویسم نیازی ندیدم. من همیشه در درگاه خدا شکرگزار بوده‌ام که پروردگار قسمت مرا چنین زنی که بتواند مسئولیت خود را خوب انجام دهد، قرار داد. همیشه خیالم راحت بوده و هست که تو همیشه سعی کرده‌ای تا آنجا که امکان دارد مسائل زندگی خودت را با زندگی اهل بیت عصمت و طهارت انطباق دهی و امیدوارم که خدای قادر تو را در این راه و در این جهت یاری نماید. در زمینه تربیت یاسر هم مطمئن

هستم که سعی و کوشش خودت را خواهی کرد. سعی کن از همان کودکی او را در دامن زینب و امام حسین (علیه السلام) و بقیه ائمه معصومین پرورش دهی. خداوند تو را در این مهم و در این راه، ادامه مسئولیت یاری و راهنمایی کند. امیدوارم که مرا ببخشی که خودم می‌دانم برایت شوهر خوبی نبودم ولی تو برایم طلب بخشش و عفو کن. مواظب خودت و یاسر باش. مسئله نماز و روزه‌هایی که با هم قرار گذاشتیم یادت نرود. پدرومادرعزیزم:

تربیت یاسر برایم خیلی مهم است از شما خواهش می‌کنم در این جهت سعی فراوان بشود که ان شاءالله برای اسلام فرد مفیدی و برای آقا امام زمان (عج) سرباز و یاری خوب باشد. خدا را فراموش نکنید و همیشه دعاگوی امام باشید که این چنین زندگی همه را متحول کرد و جهت داد و از همه‌ی شما در موقع دعاها و نمازها و نیایش‌ها التماس دعا دارم.

«من کان یرجوا لقاء الله فان اجل الله لات» (عنکبوت/۵)

سردار شهید حمیدرضا رفیعی ۱۳۶۱/۸/۹
(فرمانده آموزش اطلاعات عملیات سپاه پاسداران)



خاکِ افلاک

ارسال شده توسط: zaerolhoseine

با شروع سال ۵۸ شور و اشتیاق حاج حسین در اشاعه فرهنگ انقلاب و حفظ دستاوردهای آن بیش از پیش به چشم می‌خورد. حاجی با تلاش بی‌وقفه، نمایشگاهی از جنایات رژیم پهلوی در کنار پل ابوذر (محل فعلی بنیاد شهید اصفهان) راه‌اندازی کرده بود و سعی می‌کرد تا نقشی در بیان اهداف عالیه جمهوری اسلامی ایفا کند. در آن زمان، سیل، موجب ویرانی خانه‌ها و مراعات کشاورزی مردم خوزستان شده بود و با وصول خبر این واقعه، حاج حسین جمع‌آوری کمکهای مردمی در اصفهان را برعهده گرفت. شخصاً آنها را به فرودگاه می‌برد و مانند یک کارگر ساده با افتخار گونی‌های آرد و دیگر ملزومات مردم را به داخل هواپیما حمل می‌کرد تا به اهواز منتقل شود. اینگونه خدمت صادقانه را بدون ریا و با قصد قربت انجام می‌داد. بارها پس از بارگیری هواپیما به همراه آن تا اهواز رفت و در آنجا به تخلیه بارها کمک کرد. او در راه این کمک‌رسانی به مردم، هیچ گاه احساس خستگی نکرد. پس از اتمام کمک‌رسانی جهت غنای فرهنگی منطقه، طرحی ارائه کرد تا نمایشگاهی در آن منطقه تأسیس شود تا خیالات خام حزب منحرف و منحل خلع عرب نقش برآب شود. طرح او در آن شرایط، نشانه تیزبینی‌اش در مسائل فرهنگی بود.

مادر حاج حسین می‌گوید: روزی او وارد منزل شد و پس از یک احوالپرسی ساده یکراست به اتاق رفت و قطعه فرش متعلق به خود را که روی زمین پهن بود، جمع کرد، به دوش گرفت و از اتاق بیرون آمد. من که متعجب شده بودم، علت این کار را سؤال کردم. ولی حاجی در حالی که سعی می‌کرد احترام مرا نگه دارد با اشاره به خستگی ناشی از حمل فرش گفت: مادر جان برمی‌گردم توضیح می‌دهم. الآن عجله دارم، و به سرعت از منزل خارج شد. وقتی برگشت، آثار رضایت در چهره‌اش مشخص بود. کنار دیوار لم داد و گفت: مادر ببخشید، عجله داشتم. آقای فلانی از نعمت پدر محروم است، عروسی کرده، فرش را برای ایشان بردم. گفتم: مادر جان، این وقت شب؟! فردا این کار را می‌کردی! حاجی با تبسم گفت: آخر، امشب شب زفافش بود، و اصلاً فرش نداشتند. خوب شد که امشب بردم.

ایشان در نامه‌ای به مسؤول محترم بنیاد مسکن اصفهان می‌نویسد:

«سلام علیکم

ضمن تشکر از زحمات شما، بنده به زمینی به ابعاد دو متر در پنجاه سانتیمتر نیاز دارم که پس از شهادتم، در گلستان شهدا برایم در نظر گرفته شده و نیاز به زمین و خانه‌های دنیایی ندارم، لذا خانه‌ای که برایم در نظر گرفته شده به برادر رزمنده حامل نامه تحویل نمایید تا مشکلات چند ساله اخیرشان حل شود و بتوانند تشکیل خانواده دهند و از این وضعیت ناجور خلاصی یابند.

حسین روح‌الامین»

حاج سید حسین روح‌الامین (فرمانده عملیات سپاه کردستان)



نفوذ دولتی؛ دولت نفوذی!

گردآورنده: ۱۱۰ salam

حرکت آغازین انجام شده است.» البته احتمالاً منظور باقر نمازی از تلاش‌ها در این زمینه، «نفوذ» در حوزه دولتی است که منجر به ایجاد تشکیلات موازی در وزارت کشور در دوره خاتمی به ریاست «سهراب رزاقی» با نام «کنشگران داوطلب» گردید که همکاری نزدیکی با همیاران غذا داشت. رزاقی نیز پس از چند بار دستگیری به واسطه «ارتباط با دستگاه‌های اطلاعاتی دشمن» و «اقدام بر ضد امنیت

ملی»، سرانجام با همکاری دوستان نفوذی‌اش، از کشور گریخت! «محمد خاتمی» در دولت اصلاحات، زمینه‌ها و ظرفیت‌های «فروپاشی از درون» را تقویت کرد و «وزارت کشور»، یک «شبکه اجتماعی» تربیت شده را تحویل «مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد» داد. این شبکه تحت نام «مرکز توانمندسازی سازمان‌های جامعه مدنی» شناخته می‌شد و تیرماه ۱۳۸۱، «عبدالواحد موسوی لاری» آن را در «وزارت کشور» پایه نهاد؛ مرکزی که از امکانات، ارتباطات و حمایت گسترده مالی «مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد» در تهران برخوردار گشت.

مدیریت این مرکز را به «سهراب رزاقی» سپردند. او در دوران ریاست جمهوری خاتمی، مدیرکل «دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور» و عضو «کمیسیون سیاسی هیئت دولت» بود و از سوی «عبدالله رمضان زاده» و «سعید حجاریان» حمایت می‌شد.

رزاقی در این مرکز، از امکانات وسیع «مرکز پژوهش‌های مجلس ششم» و نمایندگان اصلاح طلب آن برای پیشبرد ماموریت‌های مطالعاتی خود استفاده می‌کرد.

پروژه این مرکز، بر محور «آموزش مدنی» به شهروندان براساس شاخص‌های «سازمان ملل» برای «گذار ایران به نظام دموکراتیک» شکل گرفت. تا سال ۱۳۸۴، این مرکز در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ، برای دختران و پسران جوان «کارگاه‌های آموزشی» برگزار کرد و از رهگذر ارتباط با «کیان تاجبخش» از تجربیات و منابع «بنیاد جرج سوروس» بهره گرفت. این شبکه، از نگاه آمریکایی‌ها پتانسیلی برای ایجاد یک «نیروی سازمانی» جهت انجام پروژه «کودتای مخملی» در ایران بود.

«فرح کریمی» (نماینده حزب سبزها در پارلمان هلند) در پوشش سفری دیپلماتیک در سال ۸۴ وارد ایران شد. وی در این سفر با «رجبعلی مزروعی» و دیگر مدیران «انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران» دیدار کرد و توافقنامه‌ای را برای برگزاری یک کارگاه آموزشی «مبارزه مدنی» در آمستردام امضاء نمود. او همچنین یک طرح جامع را در اختیار

در دو شماره قبل از خانواده نفوذی در ایران سخن گفتیم. خانواده نمازی که پشت پرده بسیاری از جریان‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بودند. در بیان مصادیق در حوزه اجتماعی، از مهدکودک‌هایی گفتیم که سبک زندگی نسل‌های آینده را به سمت بی‌قیدی و غرب‌گرایی سوق می‌دهند و مثالی از مهدهای مدل مونته سوری زدیم. نگاهی هم به سمن‌هایی داشتیم که تحت حمایت از حقوق زنان و کودکان علاوه بر تغییر سبک زندگی، ارتش و پیاده نظامی مردمی در موضوعات مختلف پدید می‌آورند برای روزهای مبادایی که گونه آن فتنه ۸۸ بود و اکنون نیز با تجمعات در حمایت از سگ بازی گرفته تا پاساژ کوروش، تمرین می‌شود.

اما یک سوال همیشه مطرح، که آن زمان آقای احمد مسجد جامعی برای فرار از سوال نمایندگان مجلس گفته بود اما اکنون ما آن را برای رسیدن به حقیقت می‌پرسیم: مگر می‌شود؟

مگر می‌شود در این سطح نفوذ کرد و هیچ کدام از مسئولان مانع فعالیت نفوذی‌ها نشوند؟ آیا این توهّم توطئه نیست؟

برای پاسخ به این سوال شاید بد نباشد نگاهی به شخصیت پدر سمن‌های ایران بیاندازیم و سنگ بنایی را که او گذاشت تا امروز اجمالاً از نظر بگذرانیم. یک مصداق از صدها مورد اقدامات برنامه‌ریزی شده علیه ایران که یکی دیگر از آنها پروژه تحدید نسل ایران بود و سوق دادن ایران به کشوری پیر و مصادیق بیشمار دیگری که برخی کشف و برخی هنوز ماهیت مشخصی برای ما ندارد ولی صدای ساز آن در روشنای صبح شنیده خواهد شد.

اما پدر سمن‌های ایران کیست؟

سهراب رزاقی، همکار دولتی باقر نمازی و پدر سمن‌های ایران است. براساس اسناد منتشر شده در مجموعه جزوات «ظرفیت‌سازی سازمانی» به قلم باقر نمازی، در دوره سازندگی، غرب به این نتیجه رسید که NGOها به عنوان نهادهایی غیردولتی که از نظارت نهادهای قانونی در امان هستند و توانایی اجرای زیرزمینی پروژه‌های ویژه را توأمان دارا هستند، در ایران گسترش پیدا کنند.

همچنین در مقدمه کتاب «تبادلات علمی ایران و جهان» با اشاره به آغاز پروژه مذکور می‌نویسد: «استفاده از حمایت‌های بین‌المللی برای جمع آوری داده و شبکه‌سازی در مراکز با بدگمانی همراه است. تلاش‌های قابل ملاحظه‌ای برای فایق آمدن بر نگرانی‌ها و حساسیت‌ها و نشان دادن قابلیت و شفافیت و مشارکت جویی این

«شیرین عبادی» گذاشت و پیشنهاد کرد که «زنان فمینیست» از استراتژی جامعه مدنی که در «طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا» تبیین و تشریح شده است، پیروی کنند. پس از این سفر پارلمان هلند بودجه‌ای سالانه به ارزش ۱۵ میلیون یورو برای حمایت از «پلورالیسم رسانه‌ای در ایران» تصویب کرد تا خرج نهادهای حامی «براندازی نرم» در ایران گردد. ۴۳۶ هزار یورو از آن توسط موسسه هیفوس در اختیار «سهراب رزاقی» قرار گرفت. همزمان دولت ایالات متحده یک بودجه ۳ میلیون دلاری را برای سازمان‌های مدنی در ایران تخصیص داد.

چند ماه پس از شکست اصلاح طلبان در انتخابات سال ۸۴ «کاندولیزا رایس» در کنگره آمریکا خواهان افزایش ۷۵ میلیون دلاری «بودجه براندازی نرم ایران» شد. که به گفته او ۱۰ میلیون دلار از این بودجه خرج «قدرت بخشیدن به جامعه مدنی ایران» و «آموزش مدنی» سازمان‌های صنفی و سیاسی داخل ایران شد.

بخشی از سخنان کیان تاجبخش در نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۳۰ تن از طراحان فتنه ۸۸:

«...ورود سوری و جریان‌ات مشابه به ایران عملاً از دو بستر احزاب اصلاح طلب و NGOهای همسو با تفکر و ارزش‌های غربی صورت گرفته و در یک مورد سهراب رزاقی از دوستان آقای حجابیان از سوریس بیش از ۳۰۰ میلیون تومان برای یک عملیاتی کردن یک برنامه ۵ ساله دریافت کرده که این رقم از طریق یکی از موسسات پوششی هلندی پرداخت شده بود».

همانطور در سطور بالا مشخص شد با فعالیت عوامل نفوذی در دولت کارگزاران و اصلاحات، منابع این دولت‌ها عملاً در اختیار پروژه نفوذ قرار گرفت. اکنون نیز با روی کار آمدن دولت روحانی سمن‌ها تحت حمایت ویژه‌ای از دولت قرار گرفتند و ما برای حسن ختام بدون هیچ قضاوتی از عملکرد این دولت، تنها برخی از مواضع و خبرهای مربوط به این موضوع را لیست می‌کنیم.



- روحانی در نخستین همایش ملی سازمان‌های مردم نهاد: «دولت یازدهم تشکلهای و سازمان‌های مردم نهاد را تهدید نمی‌بیند و حتماً آن را فرصت تلقی کرده و معتقد است این سازمان‌ها باید تقویت شوند. برای توسعه کشور نیازمند یک جامعه قدرتمند هستیم و جامعه قدرتمند نیز نیازمند مشارکت بیشتر مردم است، بنابراین باید زمینه‌های حضور و مشارکت فعال مردم را فراهم کرد.

- هر چقدر بتوانیم فعالیت و مشارکت مردم را در زمینه‌های مختلف تسهیل کنیم، جامعه توانمند و قدرتمند می‌شود و یک دولت قدرتمند در جامعه‌ای قدرتمند می‌تواند تشکیل شود.» (چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۳)

- فرماندار زنجان: رشد ۹۰ درصدی تعداد سمن‌های حوزه ورزش و جوانان زنجان؛ در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ بیشترین فعالیت این سمن‌ها در حوزه فرهنگی، اجتماعی بوده است.

- استاندار البرز: رشد ۱۰۰ درصدی تشکیل سمن‌ها در دولت یازدهم؛ دولت حسن روحانی فرصت خوبی را فراهم کرده و در دو سالی که از عمر دولت می‌گذرد ngoها با رشد ۱۰۰ درصدی مواجه بوده و زمینه برای فعال‌تر شدن این نهادهای مردمی ایجاد شده است.

- استاندار خوزستان از مشتاقان و دغدغه‌مندان توسعه استان دعوت می‌کند تا با تشکیل «سمن» گامی مؤثر در توسعه همه جانبه استان بردارند.

- مسجدجامعی: باید برای جلب مشارکت واقعی مردم و رساندن سمن‌ها به جایگاه واقعی و شایسته خود در مدیریت شهری کوشش بسیار کنیم. شورای شهر در نخستین قدم اعتبارات تشکلهای مردم نهاد را حدود ۸۰ - ۷۰ درصد افزایش داد.

- فرماندار یزد: حمایت از توسعه کمی و کیفی سازمان‌های مردم‌نهاد از اهداف دولت تدبیر و امید است، چرا که سمن‌ها نقش مهمی را در توسعه سیاسی و اجتماعی می‌توانند داشته باشند. از سال‌های ۷۶ به بعد با حمایت‌های مالی و فکری مجموعه دولت بسیاری از استعدادهای جوانان در قالب همین گروه‌ها شکوفا شد و منشأ بسیاری از ابتکارات و اختراعات گردید.

- فرماندار گرمه: با تشکیل سمن، سالیانه ۳۰ میلیون ریال کمک مالی دریافت کنید؛ باید کاری کنیم تا مردم برای عضویت در این نهادها و تشکلهای اقبال نشان دهند و کار تشکیلاتی انجام دهند زیرا این امر ثمرات زیادی برای کشور به دنبال خواهد داشت.

- مشکینی، معاون سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور: صدور ۴ هزار مجوز برای تشکیل سمن‌ها در دو سال اول دولت امید؛ بدون توسعه تشکلهای اجتماعی دهه آینده ایران دهه چالش‌های بزرگ است. ما هیچ چاره‌ای جز این نداریم که در حوزه اجتماعی وارد شده و برنامه‌ها را در کشور به سمت سرمایه‌های اجتماعی ببریم. باید تحولات و نهادهای اجتماعی را به سمت ضریب خوردن و توسعه درون ملت ببریم که این امر با توسعه کمی و کیفی تشکلهای اجتماعی فراهم می‌شود.

- مشکینی با اشاره به اینکه در طول ۱۱ سال گذشته ۴ هزار مجوز برای تشکلهای در کشور صادر شده است، گفت: در دو سال عمر دولت یازدهم ۴ هزار مجوز صادر شده است!



نویسنده: ۳۱۳ ayaran

اسلحه بخرد و در شورش علیه خلیفه استفاده کند.» خلیفه بعد از دریافت نامه حکم به تفتیش خانه ایشان می‌دهد اما چیزی جز نسخه‌هایی از قرآن و کتب مذهبی دیگر کشف نکردند. با این حال خلیفه دستور می‌دهد تا علی بن محمد (علیه السلام) به همراه خانواده و خادمان به بغداد منتقل شود.

در مسیر راه، امام هادی (علیه السلام) به زیارت جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نجف رفته و در قالب زیارت غدیری به مدح و ستودن علی بن ابیطالب می‌پردازد و مسائل سیاسی و اجتماعی که امام اول شیعیان را آزرده بود را شرح می‌دهند. این نوع زیارت و لحن از ایشان در آن مقطع سیاسی موجی از وحشت را در میان طاغوتیان عباسی به راه انداخت. قبل از رسیدن امام به بغداد ترتیبی داده شد تا ایشان در اردوگاه نظامی سامرا که محل اقامت سربازان ترک بود، سکونت گزینند. مسیر تغییر می‌کند و امام وارد سامرا می‌شوند.

عرصه بر امام و شیعیان تنگ‌تر می‌گردد. سیاست متوکل در مقابل حضرت علی النقی (علیه السلام) سیاستی معتدل همراه با تحقیر بود یعنی ظاهراً به ایشان احترام می‌گذاشت و امام را عموزاده خود نامیده و به آن افتخار می‌کرد و از طرفی دیگر به افراد پست و فرومایه ماموریت می‌داد تا به تحقیر و تمسخر امام در جمع بپردازند و ایشان را از فضای علمی، فرهنگی و سیاسی معاصر خود دور نگه دارند. البته امام با زیرکی با آنها مقابله کرده و آنها را ناکام می‌گذاشتند. سرانجام متوکل طی دسیسه‌ای که فرزندش، منتصر برای او طراحی کرده بود به درک واصل می‌شود. از این زمان به بعد اختلافات در عباسیان افزایش می‌یابد و افراد یکی پس از دیگری به خلافت می‌رسند و حکومت‌های کوتاه مدت شکل می‌گیرد اما هرکس که به قدرت می‌رسد برای اثبات خود تدابیر شدیدتری علیه امام هادی (علیه السلام) اتخاذ می‌کند.

تقریباً خانه امام را قرق کرده بودند و عملاً ارتباط شیعیان با مولای دهم خود قطع شده بود. و حضرت علی النقی (علیه السلام) در پشت دیوارهای سامرا با هزاران سرباز و نیروی نظامی محصور شده بودند و شیعه رفته رفته بانامیدی به سوی انزوا و سرگردانی حرکت می‌کرد. دو تن از امامان قبلی برای علی بن محمد (علیه السلام) میراثی باقی

با شهادت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دوران ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) پایان می‌یابد و حداقل حقوقی که دستگاه خلافت در این دوره برای شیعیان قائل بود به وضعیت قبل بازمی‌گردد و محدود می‌شود. نظام فکری خلافت عباسی که شدیداً تحت تأثیر سیاست گفتگوی تمدن‌های هارون الرشید قرار گرفته، اکنون با قدرت علم و حکمت ائمه هدی (علیهم السلام) آشنایی کامل دارد و این یک تهدید جدی برای آنهاست از این رو مأمون، امام جواد (علیه السلام) جانشین علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را به بغداد فرامی‌خواند و جاسوس تربیت شده دست خویش یعنی ام‌فضل، دخترش را به عقد او درمی‌آورد تا بلکه او را هم مانند پدرش زیر نظر بگیرد و حتی با خیال پدربزرگی بر نسل بعدی فرزندان رسول خدا بر آنها تأثیر گذارد و بین ایشان نفوذ کند.

بعد از هشت سال زندگی در بغداد و مناظرات و مباحث علمی زیاد، امام جواد (علیه السلام) به مدینه بازمی‌گردند و تا زمان مرگ مأمون، با فشارهای بسیار در مدینه به فعالیت خود ادامه می‌دهند. معتصم (برادر مأمون) بعد از رسیدن به خلافت دستور می‌دهد تا پیشوای شیعیان را از مدینه به بغداد بیاورند تا بیش از پیش تحت نظارت باشد. کمتر از یکسال از آمدن امام به بغداد نمی‌گذرد که توطئه ترور امام توسط معتصم و برادرزاده او (ام‌فضل) چیده می‌شود و در ۲۹ ذی‌القعدة سال ۲۲۰ ه.ق امام نهم شیعیان با زهر، مسموم شده و به شهادت می‌رسد.

از سمانه، همسر مراکشی جوادالائمه پسری متولد شد که نام او را علی نهادند. ایشان بعد از شهادت پدر، در سن هشت سالگی همه خصوصیات پدران و امامان قبل خود را دارا است. شیعیان هم این کودک هشت ساله را شناخته‌اند و با او مکاتبه می‌کنند و مباحث خود را از ایشان پرسیده و پاسخ می‌گیرند.

حکومت، خطر علی بن محمد (علیه السلام) را احساس می‌کند. پس به والی مدینه دستور داده می‌شود ارتباط علی النقی (علیه السلام) با شیعیان را کنترل کند و معلمی از بین عالمان مخالف شیعه را انتخاب و مأمور کند تا طوری او را تعلیم دهد که از اندیشه شیعه منحرف و بازگردد. الجنیدی، که یک عالم ناصبی متعصب بود انتخاب می‌شود اما مأموریت ناموفق است و حتی خود الجنیدی هم شیعه می‌گردد. این عالم که همیشه در مناظرات پیروز بود در این باره می‌گوید: «هادی (علیه السلام) چنان هوش و ذکاوتی از خود نشان می‌داد و چنان دید عمیقی از ادبیات عرب و ظاهر و باطن قرآن داشت که از یک پسرک بعید به نظر می‌رسید، مگر اینکه ارتباطی با سرچشمه علم ماورایی داشته باشد.»

به لطف عمر کوتاه خلفا و اختلافات عباسیان، حضرت امام هادی (علیه السلام) تا ایام جوانی زندگی نسبتاً آرامی را هرچند تحت فشار در مدینه سپری می‌کنند و امورات شیعیان را سامان می‌دهند. با روی کار آمدن متوکل، حاکم مدینه به خلیفه نامه‌ای می‌نویسد و از خطر شیعیان و حضرت علی النقی (علیه السلام) می‌گوید: «علی بن محمد پول‌هایی از شیعیان دریافت کرده که بوسیله آنها می‌تواند

گذاشته‌اند که در چنین وضعیتی بسیار به کار می‌آمد. بذری که امام محمدباقر (علیه‌السلام) و امام جعفرصادق (علیه‌السلام) در قالب دانشگاه عظیم اسلامی در دل جوانان مسلمان از سراسر جهان اسلام کاشته بودند حالا تبدیل به یک ثمره مفید و چندین نسل از نیروهای با معرفت شده که می‌تواند سلاح خوبی برای مبارزه سردار سامرا باشد. از این رو امام علی‌النقی (علیه‌السلام) به واسطه اندک اصحاب نزدیک خود که به سامرا نفوذ کرده بودند با این عالمان محب اهل‌بیت ارتباط برقرار می‌کنند تا به اکثر نقاط مهم جهان اسلام از جمله در ایران، عراق، حجاز و... متصل شوند.

حالا علویان با چند واسطه به راحتی با خانه خشتی و ساده مولای دهم خود در سامرا تماس برقرار کرده و شبکه گسترده تشیع دوباره پررنگ می‌شود. جناب عبدالعظیم حسنی سفیر امام در ایران و طبرستان، حسن بن راشد پیک امام در عراق و حجاز و عثمان بن سعید در ظاهر یک روغن فروش، نقش پل ارتباطی میان شیعیان و امام بوده و همه زندگی خود را وقف خدمت به امام هادی و فرزندان ایشان کرد و این سعادت را داشت تا یکی از نواب مهدی (عج) در دوران غیبت صغری باشد.

محصول مکاتبات و نامه‌نگاری‌های حضرت با اصحاب و انصار، رساله‌های علمی متعددی در باب خداشناسی، معرفت‌شناسی، اختیار، شناخت مذاهب و فرقه‌های اسلام و... بوده است. زیارت جامعه کبیره با ابعاد عمیق عبادی و سیاسی از جمله این نامه‌ها بود که می‌توان گفت نسخه امام شناسی حضرت علی‌النقی (علیه‌السلام) برای شاگردان خود در سراسر جهان اسلام بود که سینه به سینه میان دوستان اهل بیت گشت و امروز همچنان برای محبین ولایت نقشه راه روشنی است.

امام هادی (علیه‌السلام) در سالهای حضور در سامرا دل تاریک بسیاری از غلامان ترک و سربازانی که با زور و ستم دستگاه خلافت به اسلام مادی و دنیاگرایانه ایمان آورده بودند را روشن و بیدار کردند و حتی

به دربار خلفای عباسی نفوذ کرده و چند تن از وزیران و وکیلان را مجذوب خود کردند.

حکومت‌ها هم می‌دانستند اگر ایشان را آزاد بگذارند قطعاً خسارت خواهند دید، به همین خاطر، دنبال کوچکترین بهانه‌ای بودند تا سخت‌گیری‌های خود بر امام را افزایش دهند.

در دورانی که شیعیان با مشکلات اقتصادی که از سوی حکومت هدایت میشد دست و پنجه نرم می‌کردند، حضرت یک زندگی کاملاً ساده همراه با قناعت ورزی را انتخاب کرده و ایدئولوژی اقتصادی فاقد هرگونه تجمل و تشریفات را برای نزدیکان خود تصویر می‌کنند تا از حداقل درآمد موجود بهترین استفاده شود.

بالاخره بعد از مدت‌ها دست به دست شدن خلافت، این مسند به معتز می‌رسد و او در آغاز خلافت خویش برای تحکیم قدرت تصمیم به حذف بزرگترین دشمن خود می‌گیرد و حضرت علی بن محمد (علیه‌السلام) در سن چهل سالگی با زهر مسموم شده و به شهادت می‌رسند.

تبعیدگاه سامرا فرصت خوبی بود تا امام هادی (علیه‌السلام) جامعه شیعه را آماده یک اتفاق بزرگ کند و دوران جدیدی با شرایطی بدون امام و پیشوا و شیوه استفاده از خورشید پشت ابر را به آنها بیاموزد. ارتباط غیرمستقیم با ولی عصر خود، ارتباط با واسطه، چنگ زدن به سلسله صالحان برای رسیدن به مولا را بیاموزند و اینکه اگر می‌خواهی مانند عثمان بن سعید به امامت نزدیک شوی باید تاوان بدهی، رنج بکشی، از دنیا و زندگی خودت خالصانه برای حجت زمانه بگذری تا عزیز و امین فرزندان رسول خدا شوی.

امام هادی (علیه‌السلام) و امام حسن عسکری (علیه‌السلام) تبعید را به یک فرصت برای آموزش شیعیان تبدیل کردند تا در دوران غیبت دوازدهمین امام خود دچار آشفتگی و فروپاشی نشوند و ولی امر خود را شناخته و راه درست را بیابند.





۱۸ تیر ۷۸



آتش می زنیم



تجربه، برجام



صورت زیبای
فقر!



شهید
محمد اینانو



جنگ دیروز
جنگ امروز



هلهله شیطان



ما منتظریم



فریدون چه
می کند؟!



حقوق های
نجومی



راه عبور از
رکود



بالای
اشرافی گری



خطر نفوذ
فرهنگی



پنجه
کارآمدی



جنگ
فرهنگی



سلطه
می خواهد برگردد



شهادت
معشوق ماست



آیا قدرت
فساد می آورد؟



«یه دوست دارم که دوست داره با دوست تو
که دوست داره با دوست من دوست بشه،
دوست بشه»
الجبر و جان کری و محمود عباس و اردوغان
و مریم رجوی در حال بازی با ظریف!

طنز

امروز یه keep calm دیدم که از بس
کوتاه بود I am Queen نداشت و یک
pauper هم با شلوارک همراهش
بود... خیلی مدرن بودن در حد
دانشمندان ناسا!



وکیل مهدی هاشمی:

مهدی بیمار است و پزشک متخصص هم نوشته که باید بیرون از زندان باشد

- زیرا لندن خونس کم شده و نیازمند دریافت روزی سه بشکه نفت از سفره انقلاب است.
- زیرا خانواده ایشان در کلبه درویشی پشت سد لتیان دلنگران فرزند خدمتگزار خویش بوده و اصلاً هم کاری به خیابان‌ها ندارند!



یه عده بیکارند هی
سطل زباله تاریخ
رو هم میزنن!

باهنر: اخیراً برای آقای مهندس موسوی
پیغام فرستادم که اعلام کند در صورتی
که آزاد شود تا سال‌ها فعالیت سیاسی انجام
نخواهد داد، اما گویا وی نپذیرفت!!

- حالا همین محمد رضا باهنر «مشاور
رئیس پارلمان» شد... مشاور همون
لاریجانی خودمون که ۲۰ دقیقه‌ای برجام
رو تصویب کرد
- ای جان! چقدر به هم میان!!



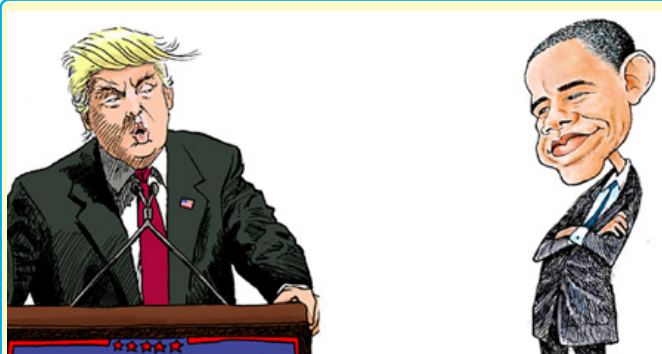
محمدعلی نجفی مسئول کارگروه
اصلاح‌طلبان برای انتخابات
شوراها شد.
- داداش اون سهمیه قلیون
کارگروه رو بذار تو پرادو!



ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه،
سرگئی ایوانوف رئیس دفتر خود را که
یکی از مهم‌ترین مقام‌ها در سلسله مراتب
مدیریتی این کشور محسوب می‌شود،
تغییر داد.



بعضی وقتها چشم و هم‌چشمی خوبه‌ها
حسن جون!



اوباما در واکنش به نامه احمدی نژاد به ترامپ گفت:
بیا ... خوبه این بیاد سر کار ؟ همه حق ملتشو ازمون بگیره ؟
خوب اینقدر حرف نزن بگذار همین روحانی رای بیاره داره مفتی همه چیز
رو بتن میریزه و تحویل میده مملکتوشون رو!



نویسنده: matinemami

غیرعادل از فرصت بی نظیر حجّ به نفع خود استفاده سیاسی می‌کردند؛ از زمانی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با یاران محدودش در مکه حضور داشتند، در پی فرا رسیدن ایام حجّ از این فرصت ارزشمند برای انتقال پیام الهی به مردم حداکثر بهره می‌بردند تا پیام اسلام را به آنها برسانند که مردم مدینه در نتیجه همین رفت و آمدها با اسلام انس گرفتند و در همین راستا پیامبر اسلام بارها از همین تجمع عظیم حجّ برای گسترش اسلام ناب و نابودی شرک و کفر حداکثر استفاده را نمودند که نمونه‌های بارز آن «پیمان عقبه»، «جریان فتح مکه» و «خطبه‌های آن حضرت در حجّة الوداع» می‌باشد. چنان که پیامبر از همین موقعیت استفاده نمود و «مسأله رهبری و ولایت حضرت امیر» را در میان آن جمعیت انبوه مطرح فرمود.

در تاریخ اسلام موارد مشابهی از این حرکتهای سیاسی بسیار دیده می‌شود که عده‌ای برای اجرای سیاست‌های حق یا باطل خویش از مراسم حجّ بهره می‌بردند؛ چنان که معاویه مسأله جانشینی یزید را در سفر حجّ مطرح کرد و منصور دوانیقی در سال ۱۳۶ (ه.ق.) امیرالحاج مردم شد و در همان مراسم به نفع خود بیعت گرفت. اینها نمونه بارزی از بهره‌های سیاسی و اجتماعی حجّ است.

مسلمانانچه از منافع حجّ وجود دارد تنها به منافع سیاسی ختم نمی‌شود و هر نوع منفعت عامه را شامل خواهد شد. چنان‌که حضرت امام هشتم علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه‌السلام) در توضیح منافع حجّ فرمود: «... ما فی ذلک لجميع الخلق من المنافع ... ممن یحجّ و ممن لا یحجّ... منافع و آثار حجّ تمام اهل زمین از شرق و غرب و در دریا و خشکی را فرا می‌گیرد چه آنها که حجّ بجا می‌آورند و چه آنها که بجا نمی‌آورد». (بحار الانوار، ج ۹۶ ص ۳۲). شکی نیست وقتی گفته می‌شود حجّ حتی برای کسی که اعمال حجّ را انجام نداده، منافعی دارد، منظور از منافع، تنها منفعت فردی یا سیاسی نیست، بلکه منافع عامه مردم در تمام ابعاد زندگی اجتماع است. شاهد قطعی دیگر، حدیثی از ایشان است که فرمودند: یکی از اسرار حجّ، بررسی گرفتاری‌های مسلمانان جهان و بر طرف کردن مشکلات آنان است و به همین منظور در قرآن آمده است که مردم به حجّ بیایند

عبادات که به عنوان هدف آفرینش انسان تعیین شده است، اسراری غیر از آداب و احکام ظاهری دارد. عبادات و فرائض الهی نوعاً با اختلاف درجات فراوانی که نسبت به هم دارند، برای تقویت ابعاد مختلف زندگی انسان وضع شده تا ابعاد دنیوی زندگی او همسان با زندگی روحانی‌اش تکامل یابند و به مقام قرب الهی برسد.

حجّ نیز به عنوان بهترین شکل ممکن از عبادت و پرستش خداوند با دیگر عبادات فرق‌های زیادی دارد. چرا که حجّ، یک عبادت صرف و بدون توجه به اجتماع نیست بلکه با مسائل عمومی اسلام ارتباط تنگاتنگ دارد. در حقیقت حجّ، نقطه التقای عبادت با سیاست و پیوند پرستش خدا با دیگر مسائل اجتماع مسلمانان است. چنان‌که حضرت امام خمینی (ره) فرمود: «اهمیت سیاسی حجّ، کمتر از بُعد عبادی نیست، بلکه بُعد سیاست علاوه بر سیاستش خودش عبادت است و اصولاً نمی‌توان حجّ را از دو خصیصه «عبادت» و «سیاست» جدا نمود، بلکه این دو، تار و پود حجّ را تشکیل می‌دهند».

اما از آنجایی که «حجّ واقعی» نمایش قدرت، عزّت و شکوه جهانی اسلام است و مایه تزلزل قدرت‌های پوشالی استکبار می‌گردد، همواره در طول تاریخ کسانی که به نحوی منافع‌شان از طریق بر پا شدن صحیح حجّ به خطر می‌افتاد سعی کردند و می‌کنند تا مانند وقایع اخیر مانع حضور عزتمندانه در حج شوند یا این فریضه الهی را تحریف نمایند که شیطانی‌ترین راه، تبلیغ ظاهر حجّ و بی‌محتوا نمودن آن است. استفاده مسلمین از بُعد سیاسی حجّ است که هر سال تحولی بنیادین در زندگی مسلمین و در نهایت در اوضاع جهانی اسلام ایجاد می‌کند. به همین دلیل ویلیام گلاستون (نخست وزیر انگلیس در اواخر قرن نوزدهم)، گفت: «قدرت حجّ را باید از دست مسلمین گرفت» و متأسفانه تا حدودی نیز موفق شده‌اند، از این رو حضرت امام (ره)، احیاگر حجّ ابراهیمی، در این باره فرمود: «از همه ابعاد مهجورتر و مورد غفلت‌تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن، بیشتر در کار بوده، هست و خواهد بود».

در طول تاریخ همواره رهبران اسلامی و حاکمان سیاسی اعم از عادل و

تا شاهد منافع بزرگ حج باشند (بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۲).

چنان‌که حضرت امام (ه) در تفسیر جمله (...ليشهدوا منافع لهم در آیه ۲۸ سوره مبارکه حج)؛ فرمود: «چه نفعی بالاتر از آن که دست جباران جهان و ستمگران اعلام از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد... حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند... و یکی از بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات عدم اتحاد بین مسلمین است.»

اتحاد، استواری و قیام مسلمین بر علیه ظلم و ستم هدفی است که خداوند از اعمال حج برای بندگان خود در آیه: «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاماً للناس مائده - ۹۷» تعیین کرده پس بهترین فرصت، استفاده از فرصت و اهرم حج است بقای جامعه بشری و حفظ تمدن اسلامی، بلکه اگر بخواهیم دین ما پا بر جا ماند بستگی به حج واقعی دارد. همچنان که امام حسین (علیه السلام) برای نهضت خونین کربلا، از ایام حج شروع و انجام داد و چنان که قیام مصلح جهانی حضرت مهدی از کنار همین کعبه است.

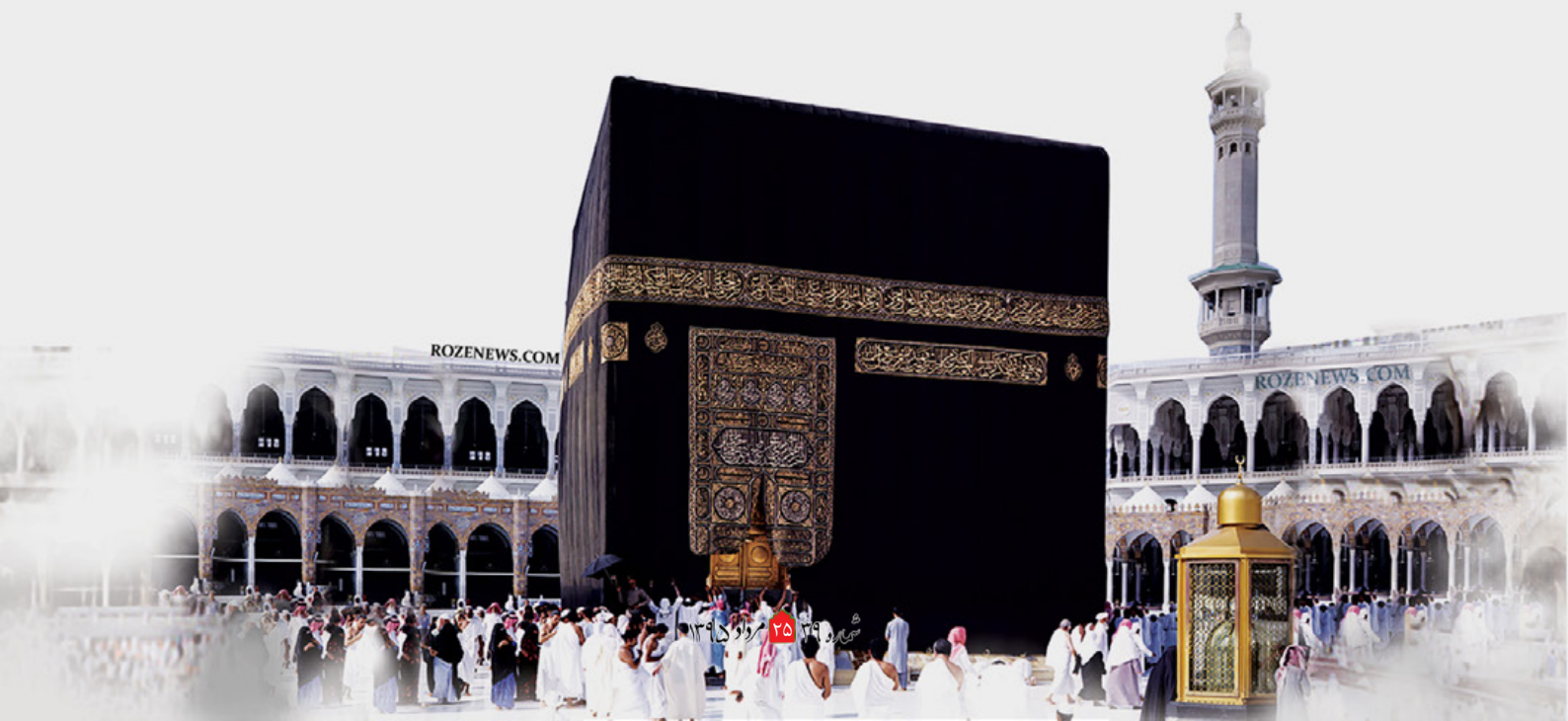
با نگاه دقیق به تاریخ اسلام و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) جای هیچ شک و تردیدی باقی نخواهد ماند که منفعت اجتماعی بارز و ظاهر حج، بُعد سیاسی آن است که شاهد آن واقعه تلاوت تعدادی از آیات سوره توبه به همراه قطعنامه‌ای در یوم الحج الاکبر در بین مسلمین و مشرکین در برائت از کفار و مشرکین، توسط حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) در سال نهم هجرت در موسم حج است که صد در صد سیاسی بوده چنان‌که اصل جریان مورد اتفاق مسلمین است و شک و تردیدی را باقی نخواهد گذاشت.

از مجموع آن چه ذکر شد استفاده می‌شود که نتیجه اعمال حج هر سال باید منافعی برای مسلمین تأمین کند و باعث اتحاد و استواری آنها بر علیه ظلم و ستم شود اتحادی از جنس عبودیت خدا در مقابل گروهی که اعمالش بر عبودیت بشر بر بشر تکیه دارد. این خط حرکت متضاد بین اسلام و کفر که خاکریز آشکار مبارزه بین حق و باطل است، نشان می‌دهد که در همه موارد کلی و جزئی از تنظیم امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و... باید مد نظر باشد.

لذا برائت از مشرکین امریست لازم، که در همه زمان‌ها استمرار دارد و مختص زمان خاصی نیست و از سوی دیگر، از مجموع روایات و آیات سوره توبه که برائت از مشرکان، جباران جهان و ستمگران و اعلان آن را به خدا و رسول نسبت داده است، فهمیده می‌شود که هیچ مسلمانی حق رابطه با قومی که خدا و رسول از آنها اعلان قطع رابطه کرده‌اند، ندارد و این آیات در حقیقت ترسیم حد و مرز برای همه مسلمین در همه آژنه که بین «اسلام» و «کفر» فاصله زیادی وجود دارد و هر مسلمان به تنهایی وظیفه فریاد و اعلان برائت از کفار و مشرکین را بر عهده دارد چون تحقق دیانت جز به اعلان و به زبان آوردن محبت و وفاداری نسبت به حق، و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل نیست.

حضرت امام (ه) خطاب به کسانی که مساله حیاتی و اساسی بُعد سیاسی اجتماعی حج را نفی می‌کنند و شرک می‌دانند، می‌فرماید: آیا تأسی از رسول الله و متابعت امر خداوند خلاف مراسم حج است یا عین مراسم حج و در راستای سنت پیامبر و اطاعت از اوامر الهی است؟ آیا اعلان برائت و انزجار از قومی که خدا و رسول با آنها برائت بسته اند، شرک است یا خم شدن و اطاعت کردن از ابرقدرتها که عین شرک و عبودیت بشر برای بشر است، شرک نیست؟!

پس مساله برائت چیز جدیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران آن را ابداع کرده باشد یا مختص به ایرانیان باشد، بلکه این عمل الهی پیروی از ابراهیم خلیل الرحمن و پیامبر مکرم اسلام و متابعت از امر الهی است، چنان که حضرت امام (ه)، فرمود: «سیاست حج، سیاستی نیست که ما درست کرده باشیم. حج سیاست اسلامی است. ما از اول بنایمان بر این بوده به حج آن طوری که بوده است عمل کنیم، همان طور که پیامبر اکرم بت‌ها را در کعبه شکست ما هم بت‌ها را بشکنیم و این بت‌ها که در زمان ما هستند از آن زمان بالاتر و بدترند. اگر خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله وسلم) اعلان برائت از مشرکین نموده‌اند، پس بر علما و حاکمان اسلامی، به خصوص آنها که خود را خادم «حرمین شریفین» معرفی می‌کنند، لازم است در برگزاری هر چه با شکوه‌تر مراسم برائت کوشا بوده و ساحت قدس کعبه را از هرگونه مظاهر شرک و کفر در گفتار و رفتار پاکسازی نمایند. (حج در کلام و پیام امام خمینی)





لباس شهرت

ارسال کننده: iiighalameshghii

معیار لباس شهرت چیست؟

ج: لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر مناسب نیست، به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود.

صدایی که هنگام راه رفتن زنان از برخورد کفش آنان با زمین ایجاد می‌شود، چه حکمی دارد؟
ج: تا زمانی که باعث جلب توجه و ترتب مفسده نشده است، فی نفسه اشکال ندارد.

آیا پوشیدن کفش سیاه بزاق توسط زن مؤمن جایز است؟

ج: اشکال ندارد مگر آن که رنگ و شکل آن باعث جلب توجه نامحرم و یا انگشت نما شدن او شود.

آیا بر زنان واجب است در لباس مانند مقنعه، شلوار و پیراهن فقط رنگ سیاه را انتخاب کنند؟
ج: حکم لباس زن از جهت رنگ و شکل و کیفیت دوخت مانند کفش است که در جواب سؤال قبل بیان شد.

آیا پوشیدن چیزی که مخصوص زنان است توسط مردان و برعکس، در خانه بدون قصد تشبه به جنس مخالف، جایز است؟

ج: تا زمانی که آن را به عنوان لباس برای خود انتخاب نکرده باشند، اشکال ندارد.

آیا جایز است حجاب و لباس زن به گونه‌ای باشد که توجه دیگران را بخود جلب کند مثلاً طوری چادر سر کند که توجه دیگران را به خود جلب کند و یا پارچه و رنگ جوراب را به این گونه انتخاب کند؟

ج: پوشیدن چیزی که از جهت رنگ یا شکل و نحوه پوشیدن باعث جلب توجه اجنبی شود و موجب فساد و ارتکاب حرام گردد، جایز نیست.

ایمان عقلا ء

نویسنده: Matinemami

برخی چنین می‌پندارند که باور آدمی هرچه با عقل و عقلانیت فاصله بیشتری پیدا کند، دینی‌تر می‌شود! و هرچه معتقدات و آموزه‌های دینی عقلانی‌تر شوند و انطباق بیشتری با مبانی و مبادی عقلی پیدا کنند، صبغه و خاصیت دینی خود را بیشتر از دست می‌دهند!

یکی از مقولات این عصر که به حق شایسته تحقیق و تدقیق است فرق بین سنت‌ستیزی و دین‌ستیزی است. برخی معتقدند این دو مساوی یکدیگر و بعضی بر این عقیده‌اند که این دو با یکدیگر تفاوت دارند. از ویژگی‌های قرن هجدهم این بود که آن را عصر عقل و عقلانیت نامیده‌اند؛ عصری که در آن؛ عقل و عقلانیت با سنت‌های قدیمی و باورهای گذشتگان به نبرد برخاسته بود و تلاش می‌کرد تا همه قلمروها و ساحت‌های حیات آدمی را تسخیر کند. کسانی همچون ولتر، منتسکیو، هیوم، کندياک، دالامبر و ... از پیشروان این حرکت بودند. نه اینکه بگوییم: بسیاری از مدعیان فلسفه روشنگری به قصد فروپاشی دین، قدم در این عرصه گذاشتند، بلکه قصد آنان ارائه صورتی جدید از دین بود. آنان معتقد بودند سنت‌ستیز هستند اما دین‌ستیز نیستند.

در باب تولید علم و کسب معرفت، توجه بدین نکته بسیار ضروری است که هرگونه سنت‌ستیزی به معنای دین‌ستیزی نیست. البته در حوزه مسائل علم کلام، گاه «عقل‌گرایی» در برابر «ایمان‌گرایی» قرار گرفته و بدین معناست که باید عقل بر ایمان مقدم گردد. عقل‌گرایی در این حوزه درصدد است که کلیه اصول و حقایق دینی را بر مبنای عقل اثبات کند و با استوارسازی مقولات و حقایق دینی بر مبنای ایمان مخالف است. با دقت در عمق و ریشه‌های این تفکر، روشن می‌شود که این نگاه درصدد نفی و انکار دین نیست بلکه در پی آن است که ادعاهای دین را معقول و مبرهن سازد، به گونه‌ای که هریک از آموزه‌های دین، قابل دفاع عقلانی باشد. در حالی که ایمان امری قلبی، باطنی و شخصی است و عقل، ابزاری همگانی و راهی برای مفاهمه و تفاهم و تخطاب با همگان است. در عقلانیت دینی و دیانت عقلانی ایمان و عقل، دو کفه ترازوی دینداری است. نهضت عقلانیت و گرایش به ناسیونالیسم در عصر حاضر، چیزی نیست که ما از آن خوف داشته باشیم و بهراسیم. چرا که ما بر این باوریم که بشریت معاصر هرچه بیشتر به سمت عقل و عقلانیت گرایش پیدا کند، خود به خود به سوی دین و آموزه‌های دینی نیز گرایش بیشتری پیدا خواهد کرد. در عقل‌گرایی حداکثری یا افراطی، توماس آکویناس و جان هیک از جمله فیلسوفانی بوده‌اند که گفته‌اند: صدق و حقانیت باورهای دینی را باید طوری اثبات کرد که همه عقلا قانع شوند. به نظر می‌رسد این نگاه - فی نفسه - مثبت است و باید از آن استقبال نمود، اما همه سخن در این است که قانع شدن همه عقلا چگونه اتفاق می‌افتد و معیار و ملاک در این باب چیست؟!

سایتی داشته باشم.

بیشتر به مطالعه چه کتاب‌هایی می‌پردازید؟

به دلیل حرفه و مسئولیت زیاد مطالعه می‌کنم. در حوزه‌های تربیتی، جامعه‌شناسی، فلسفه، روانشناسی و سلامت و تربیت بدنی و البته تاریخ و به دیگران هم توصیه می‌کنم. علم و عمل صالح تنها توشه آخرت است.

شاخص‌های تربیت اجتماعی چیست؟

در جامعه دینی، تربیت برای ارتقاء کرامت انسان‌ها به نحوی که به وصول حیات طیبه منجر شود و در کلیه امور اخلاق محوری، عمل‌گرایی و درک دینی مسئولین و رهبران و پیشکسوتان تعلیم و تربیت، کلید اصلی است. در حوزه تربیت می‌توان به تربیت اجتماعی، فردی، دینی، سیاسی، اقتصادی، زیستی و ... اشاره کرد. براساس سند تحول، تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت زیستی و بدنی، تربیت هنری و زیباشناختی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و تربیت علمی و فناوری ساحت‌هایی هستند که تعلیم و تربیت دانش‌آموزان براساس آنها صورت خواهد گرفت. همچنین در سند تحول بنیادین، محور فعالیت‌های مدارس باید بر پنج عنصر علم، ایمان، اخلاق، عمل و تفکر صورت گیرد. تمام اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌انداز سند بنیادین آموزش و پرورش رسیدن به حیات طیبه است.

در حوزه تربیت اجتماعی می‌توان به ساحت‌های تعلیم و تربیت یک فرد برای زندگی شهروندی و بهره‌وری وی برای ایجاد بازده اجتماعی و بازده خصوصی اشاره کرد، یعنی فرد هم برای تعامل زیستی خود موثر باشد و هم برای جامعه موثر و مفید باشد. البته مرز این ساحت‌ها مشخصاً جدا نیست و به همدیگر سخت مرتبطند.

به نظر شما اجرای این سند چقدر در تربیت دانش‌آموزان موثر بوده است؟

کیفیت این سند از نظر علمی در سطح بسیار بالایی است و چشم‌اندازهای مطلوبی را نشان می‌دهد ولی به شرط تعامل کل نظام آموزش و پرورش و نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت محقق می‌شود ان شاء الله. فقط انتظار از مدرسه کار یک بعدی و بعیدی در عمل است.

با وجود این هدفگذاری‌ها چه توجیهی برای آمارهای رشد بزهکاری بین نوجوانان و جوانان وجود دارد؟

بحث گذر اجتماعی در جوامع سنتی در تقابل با تکنولوژی و مدرنیسم و عوارض بعد از جنگ تحمیلی و تحریم‌ها می‌تواند از علل این معضلات باشد و یک عامل تربیت و آموزش مدرسه قاعداً برای پیشگیری کافی نیست. هوشیاری جامعه و قوانین کلان حمایتی و اجتماعی و توجه و الزام بیشتر به کانون خانواده و تعامل همه دستگاه‌های کشور ضرورت دارد که در پیشگیری این ناهنجاری کمک نماید. البته ضرورت دارد برنامه‌ریزی‌ها توسط اهل فن و به شکل علمی و منطبق با نیازها و مقتضیات زمان انجام شود تا بتواند پاسخگویی شرعی و عرفی این گروه باشد.



خانم مهناز تسلیمی دکتری مدیریت آموزشی،

متخصص در امور آموزش، پژوهش و مطالعات

فرهنگ سازمانی و رفتارهای اجتماعی،

مدیر برنامه‌ریزی در حوزه ستادی برنامه‌های سلامت و

تربیت بدنی مدارس در وزارت آموزش و پرورش، کمی

شاعر و نویسنده و اهل ورزش



شما در شبکه‌های مجازی حضور دارید آیا فعالیت هدفمندی در این

فضا دارید؟

با توجه به تخصص ضمن تعامل دو طرفه در چند شبکه مجازی برای ارائه بحث‌های آموزشی و مشاوره‌ای، در کنار گروه‌های مختلف به ویژه نوجوانان و جوانان فعالیت دارم. و در ارتقاء امور اطلاعاتی و عملکردی خودم بهره می‌گیرم. این شناخت دو طرفه مسئولین و محققین با جامعه حقیقی و مجازی را ضروری می‌دانم. ترجیح می‌دهم در شبکه‌های اجتماعی باشم تا



ضمن توسعه دانش و مهارت‌های لازم در جهان امروز برای درک بهتر زبان مخاطب به تدوین و تهیه این خوراک اقدام کند. دو نکته اولویت و نیاز مخاطبین از هر گروه نیز شناسایی شود.

پشتوانه های فرهنگی - تاریخی کشورمان چقدر در رشد فرهنگی جامعه اثرگذار بوده است؟

فرهنگ و قدمت تاریخی کشور (چه معنوی، چه باستانی و چه مادی و چه انسانی) هر کجا با افتخارات و تحسین کشور و ملت بوده ارزش و قداست داشته است و این ارزش‌ها حتی با مبارزه و تخریب هم نمی‌تواند زدوده شود و حسن مردم و حکومت‌ها در تکریم و پاسداشت این فرهنگ‌ها و تاریخ است و باید نسل به نسل منتقل کنند و هر جا لازم است آنها را تقویت نمایند. تاریخ کشور و جهان بستر عبرت مسئولان و مردم است و باید این عبرت‌ها بدون تحریف، در مهارت‌های تربیتی جامعه و نسل‌های جوان نهادینه شود. از طرفی تعصب و تحریف‌ها و بزرگنمایی‌های جاهلانه نسبت به برخی این رویدادها و اشخاص نباید اسباب برتری و یا کهنتری بین مردم ایجاد کنند. این نژادپرستی مذموم است و در هیچ جای دنیا تاییدی ندارد.

بسته به نوع این پشتوانه‌های فرهنگی، دستگاه‌های فرهنگی، نظام تعلیم و تربیت و باید بدون سوءگیری در امور محوله از آنها برای تقویت مخاطبین استفاده نمایند. البته به طور خاص چون فرهنگ از عوامل مختلف تاثیر می‌پذیرد، هویت بخشی به مردم کشور گاهاً فراموش شده و یا کاربست سلیقه‌ها بین مردم و حکومت، باعث تغییرات در بطن فرهنگ مردم شده، به نحوی که فرهنگ‌های امروزی در برخی طبقات با فرهنگ سنتی و غالب زاویه پیدا کرده است.

در علوم انسانی معمولا از منابع غربی برای آموزش استفاده می‌شود. منابع اسلامی و تاریخی ایران چه جایگاهی در این آموزش دارند؟

علم ارزش فراملی دارد. منحصر به یک کشور و یک جامعه نیست. در برخی علوم ما علوم بومی داریم که خاص همان مردم و کشور است و کاربرد دارد. علم نافع، مقدس است چه با گرایش اسلامی، چه با گرایش غیراسلامی! مسئله این است که علم قابل نقد است و حتی ممکن است برخی علوم انسانی ویژه منسوخ شود ولی چون دانستن تاریخ و پایه علم ضرورت دارد، دانستن این علوم غربی و خیلی قدیمی، مشکل و مانع

نیست اما کاربر علم باید آن را در قیاس با مسئله ملی، تفکر و تعامل و کاربرست کند. خوشبختانه در دروس دینی و انسانی و اجتماعی دانشمندان صاحب نام و علمی از جامعه اسلامی رشد کردند. منابع قوی و غنی هست ولی مغفول مانده و تفکر روشنفکری و سلیقه‌های مدرنیسم، فقط به مطالعه سطحی آنها پرداخته و کنکاش در این منابع قوی و غنی متوقف یا محدود شده است.

روابط انسانی چقدر در پیشرفت یک مجموعه اقتصادی یا علمی و امثالهم موثر است؟

روابط انسانی اولین عامل تعامل زندگی بشری است. افراد برای تعامل بهتر به انواع تبادلات زبانی، احساسی، مراوده‌ای، معامله‌ای، فناوری و ... پرداختند. این روابط روز به روز گسترده می‌شود به نحوی که مرزی بین کشورها نخواهد بود کما اینکه دهکده جهانی رخ داد و همه ارتباطات به توسعه زیرساخت‌ها و علوم کمک کرده است. ما امروز شهروند جهانی داریم و دنیای مجازی و حقیقی را نمی‌توان محدود از این روابط کرد. توسعه یافتگی کشورها از همین شاخص‌ها و انتظار تحقق این مسائل از حکومت‌ها شکل گرفته است و هرجا روابط، بیشتر و بهینه‌تر بود به تعالی و موفقیت هم نزدیک‌تر بود.

در ابعاد سازمانی و اجتماعی نیز تعامل و رفتارها و فرهنگ بالای سازمانی به پیشرفت سازمان و جامعه منجر می‌شود لذا بهبود روابط انسانی و رفتارها در یک سازمان از استراتژی‌های توسعه سازمان‌های ناب می‌باشد.

یک محصول اعتقاد به دهکده جهانی، اعتقاد به کدخدا شده و تکیه بر لفظ شهروند نیز موجب ازمهم گسیختگی روابط انسانی و گسترش فردگرایی و منفعت‌محوری شده. جامعه دینی چه راهکاری برای اصلاح داشته است؟

محصول دهکده جهانی پیشرفت و تعامل اجتماعی است و شاید کشورهای ذی قدرت در این امر بیشتر جلو باشند گرچه به مسائل گروهی هم خوب توجه می‌شود البته اگر در راستای سیاست‌های استکباری و استعماری نباشد. به نظر آگاهی و دانش، نیاز مردم و انسان شهروند جهانی است و این اطلاعات صادق و سالم باید به سرعت تهیه شود که فرد دینی از خوراک‌های مسموم استفاده نکند. لازم است فعالان حوزه تعلیم و تربیت و علمای دینی

مردم ایران فردگرایی را به جمع‌گرایی در امور محوله ترجیح می‌دهند. شاید مهمترین دلیل آن آموزش غلط رقابت در امور است.

این مسئله وظیفه محققین و اساتید کشور است که به این مسئله اهتمام کنند و ما امثال استاد مطهری کم داریم. باید به ذهنیت جوانان و نوجوانان توجه شود و زمینه‌سازی گردد تا همه نظرات در باب مسائل مختلف را در ویتزین ببینند و با قدرت تفکر به گزینش و انتخاب اصلح بپردازند.

می‌گویند ایرانی‌ها معمولاً علاقمند به کارهای فردی هستند و فعالیت‌های گروهی موفق ندارند. آیا اینطور است؟

تقریباً درست است و مردم ایران فردگرایی را به جمع‌گرایی در امور محوله ترجیح می‌دهند. شاید مهم‌ترین دلیل آن آموزش غلط رقابت در امور است و اینکه هرکس دوست دارد بهتر از همه باشد و به ویژه در سازمان‌ها، کار تیمی و گروهی با کارایی و اثربخشی پایین و ناامید کننده دیده می‌شود. اما مصادیق باارزشی مثل امور هیأتی، توجه به واجب صله رحم و قداست خانواده، اقدامات خیریه‌ای و اصل مرجعیت از بهترین شاخص‌هایی است که با رهبری کاریزماتیک در راس آن، تحولات ارزشی و شگرفی در جامعه رخ داده است و کماکان هم مورد پسند مردم هست و می‌تواند در صورت هدایت خوب به این مسئله کمک کند و بهره زیادی عاید جامعه کند.

سازماندهی یک حرکت اجتماعی موفق چگونه امکان پذیر می‌شود؟
در درجه اول رهبری قدرتمند و مورد تایید گروه و در درجه دوم نیاز و وفاق مردم برای آن مسئله.

به نظر می‌رسد حوزه دفاع مقدس یکی از حوزه‌های مورد علاقه شماست. در این موضوع فعالیتی هم داشته‌اید؟

به زعم بسیاری از مردم و خدمتگزاران واقعی به مردم، رویداد دفاع مقدس یک رویداد نادر از وفاق بهترین مردمان آن عصر بود که با توفیق الهی رقم خورد و از جنس قیام متعالی حسینی و آزادگی بود. این حماسه از جنس متعالی‌ترین اهداف بشری بود که چه در رزمندگان در جبهه و چه در مردم پشتیبانی کننده آنها در پشت جبهه، به یک مسیر و یک هدف ختم می‌شود و صحنه‌های زیبایی که در آن آفریده شد بعد از گذشت سالها باز هم برای تربیت نسل‌های بعدی آموزنده و اثرگذار است. از صداقت و لطافت، آنهم در برابر دشمن و مخالفان، با خشوع و تحسین و احترام یاد می‌شود. نمونه آن بازگشت غواصان بود که پس از سه دهه همه مردم و همه نسل‌ها با تحسین و احترام، این آزادمدان را همراهی کردند. توصیف و تفسیر زمان، مکان، اشخاص و به انواع مختلف بیان شده است ولی می‌توان گفت،

شهید عشق به وطن و انسانیت و آزادگی و اخلاص همیشه زیبا و تحسین برانگیز است. به حق است که گفتند: از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر... یادگاری که در این گنبد دوار ماند
گرچه حفظ و نشر آثار دفاع مقدس وظیفه همه هست ولی به دلیل ارادت به شهدا در درجه اول سعی کردم به عنوان یک خواهر شهید پیرو آنها باشم و در خودسازی خود الگو بگیرم و در درجه بعد در مصادیق تدریس و یا حضور در شبکه‌ها به نشر مطالبی از رفتارهای ارزشمند و اثرگذار این عزیزان اهتمام داشته باشم.

ان شاءالله برادر شهیدتان با شهدای کربلا محشور باشند. خاطره‌ای از ایشان دارید؟

جوانی زیبا و بلندقامت با قلبی مهربان و دارای روحی بزرگ که در احترام به خانواده و والدین، توجه به صله رحم و کمک به هم نوع همیشه پیش قدم بود. یک جوان هیأتی اهل کار و اهل نماز اول وقت و خادم الحسین(ع) که حجب و حیای او ضرب‌المثل عام و خاص بود و در آخرین مرخصی قبل از شهادت، زودتر از اتمام زمان مرخصی به جبهه برگشت. گفت: «دلم تنگ آنجاست، اینجا کاری ندارم، زودتر بروم» مثل همه شهدا مردی بی ادعا و ناب.

گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود
بار بریست و به گردش نرسیدیم و برفت

موفق و موید باشید و سپاسگزارم



وقتِ وقتِ ایستادن پیش روی خنجر است
پیش شیطان سر نکردی خم که ایمانت سر است

دفتر شعر مرا نامت معطر کرده باز
عطر، عطرِ امر بر معروف و نهی از منکر است

ترس جانبازی ندارد جا میان قلب تو
چون شهادت شوق انسانِ ولایت محور است

جبهه‌ی تو خلوت یک کوچه‌ی تاریک بود
حفظ ناموسِ برادر خاکریزی دیگر است

گردنت بالا ز غیرت زد رگش را، عشق گفت:
وقتِ وقتِ ایستادن پیش روی خنجر است

مسعود یوسف پور

امت به دور عشق محمد(ص) طواف کرد
سیمرغ، قصد رفتن تا کوه قاف کرد

هر قطره‌ای به سینه دریا رسیده بود
وقتی که زیر پرچم او اعتکاف کرد

معنای ریسمان الهی است بی‌گمان
وحدت که ذوالفقار علی(ع) را غلاف کرد

تاریخ را ورق بزن آری گمان مکن
ما را از امتحان مجدد معاف کرد

این سو برادریم ولیکن جدا جدا
آن سو هزار دشمن ما ائتلاف کرد

از اختلاف جزئی ما زخم تازه ساخت
شیطان که تیغ تفرقه در این شکاف کرد

يك امت است، شیعه و سنی ندارد و
هرکس که نابردار ما شد خلاف کرد

ما را خدا مقابل صف‌های صهیونیسم
همسنگران جبهه جنگ و مصاف کرد

این را که رمز فتح، فقط «لاتفرقوا» بود
بیگانه و خودی همه جا اعتراف کرد

فاطمه عارف‌نژاد

عشق رسوایی محض است که حاشا نشود
عاشقی با اگر و شاید و اما نشود

شرط اول قدم آن است که مجنون باشیم
هرکسی در به در خانه‌ی لیل نشود

دیر اگر راه بیفتیم، به یوسف نرسیم
سرِ بازار که او منتظر ما نشود

لذت عشق به این حسِ بلا تکلیفی ست
لطف تو شاملم آیا بشود؟ یا نشود؟

هر قدر باشد اگر دور ضریح تو شلوغ
من ندیدم که بیاید کسی و جا نشود

بین زوَار که باشم کرمِ بیشتر است
قطره هیچ است اگر وصل به دریا نشود

مُرده را زنده کند خوابِ نسیم حرمت
کار اعجاز شما با دمِ عیسا نشود

امن تر از حرمت نیست، همان بهتر که
کودکِ گمشده در صحن تو پیدا نشود

بهتر از این؟! که کسی لحظه‌ی پابوسی تو
نفس آخر خود را بکشد پا نشود

دردهایم به تو نزدیک‌ترم کرده طیب
حرفم این است که یک وقت مداوا نشود!

من دخیل دل خود را به تو طوری بستم
که به این راحتی آقا گره‌اش وا نشود

بارها حاجتی آورده‌ام و هربارش هم
پاسخی آمده از سمت تو، آلا نشود

امتحان کرده‌ام این را حرمت، دیدم که
هیچ چیزی قسم حضرت زهرا نشود

آخرش بی برو برگرد مرا خواهی گشت
عاشقی با اگر و شاید و اما نشود

محمد رسولی





کفنِ نفسانه

ارسال شده توسط: parasto

خاصیت دعا این است که نفسانیت‌ها را می‌شکند. لذاست که گفته‌اند: حتی چیزهای کوچک را از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می‌اندازد و آسایش وی را می‌گیرد: «وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ»

این است که دعا برای تضرع پیش خداست؛ برای عرض حاجت پیش خداست، برای تواضع و برای بیرون آمدن از پوسته‌ی دروغین استکبار و استعلاست. خدای متعال، گاهی برای من و شما مشکلاتی به وجود می‌آورد، تا وادار به تضرع و توجه و خشوع‌مان کند. همانطور که در آیات کریمه قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

این تضرع، نه برای خاطر خدا، که به خاطر خود ماست. خدا احتیاجی به تضرع من و شما ندارد:

تیشه زان بر هر رگ و بندم زنند
تا که با مهر تو پیوندم زنند

این حالت تضرع است که دل را از عشق به خدا پر می‌کند؛ انسان را با خدا آشنا می‌کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می‌کند و او را از نور مقدس پروردگار و لطف الهی، سرشار می‌سازد.

برگرفته از کتاب دعا از منظر حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (حفظه الله)



آسمان از شرم به خود پیچید
پی در پی می شنید
انا الذی اسات ... انا الذی غفلت ..
از حنجره ای که کمتر از ۴۰ روز بعد
بر سر نیزه
رو به آسمان
قرآن خواند

